

بازشناسی «پایداری فرهنگی» برآمده از «هژمونی تمدنی» عیلام، در حکومت‌های ایران باستان

هادی فرهنگدوست (نویسنده مسئول)

کارشناس ارشد معماری اسلامی، دانشکده هنر و معماری اسلامی، دانشگاه بین‌المللی امام رضاع، مشهد، ایران.

h.farhangdoust@imamreza.ac.ir

تکنم حنایی

دانشیار، گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مشهد، مشهد، ایران.

(تاریخ دریافت ۱۴۰۲/۰۸/۰۷ تاریخ پذیرش ۱۴۰۲/۱۲/۰۴)

چکیده

عوامل سازنده یک تمدن، بر حسب شرایط محیطی و ساختاری زیادی، فرصت نمایان شدن پیدا می‌کنند. به گونه‌ای که بین ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل ملل در طول تاریخ، تفاوت‌هایی را ایجاد کرده است. یکی از مهم‌ترین بسترهای شناختی در این زمینه، مطالعات تمدن‌شناسی با رویکردهای کلانی همچون فرهنگی است. در این بین مسئله شناخت تمدن عیلامی‌ها از جنبه مطالعات اجتماعی، اگرچه مبتنی بر شواهد باستان‌شناسی و مطالعات تاریخی است، ولی بر اساس ضرورت‌های انسان امروزی در زمینه کارکردهای شناخت هویت و خاستگاه تاریخی خود است. بر این اساس، هدف‌گذاری این پژوهش، واکاوی ابعاد شناخته‌شده از وجوه تمدن عیلامی از طریق هم‌افزایی مفهومی و عملکردی آنها است. عوامل ایجادکننده تأثیر فرهنگی پایدار حاکمیت عیلامیان در ایران باستان چه بوده و ارتباط آنها با یکدیگر چگونه بوده است؟ چنین هدفی از طریق کلان پژوهی، در قالب پژوهشی کیفی با رویکرد تحلیل و تفسیر در زمینه تاریخی، طراحی گردیده است. کاربرد نوآورانه این پژوهش در زمینه طراحی چارچوب پژوهش با رویکرد کلان و اجتماعی، از طریق به‌کارگیری هدفمند هوش مصنوعی در نرم‌افزار کمک پژوهشی MAXQDA برای غلبه بر پیچیدگی روابط و گستردگی عوامل چندوجهی و چندلایه آن است. نتایج این پژوهش نشان‌دهنده میراث‌داری هوشمندانه عیلامی‌ها از سنت‌های نیاعیلامی‌ها، و بهره‌گیری آگاهانه از ظرفیت‌های جغرافیایی، اجتماعی، فرهنگی، هنری، اقتصادی، نظامی و سیاسی اقوام داخلی و همسایگان پیرامونی، در ساختارهای تمدن بومی آنها است.

واژگان کلیدی: باستان‌شناسی اجتماعی، تاریخ تمدن، عیلام‌شناسی، مردم‌شناسی تاریخی، قوم‌شناسی.

مقدمه

عیلامی‌ها، اقوامی ایرانی الاصل بودند که بیش از دوهزارسال و تا قبل از واپسین سده‌های ق.م (۳۲۰۰-۵۳۹ ق.م)، در شمال و شرق دشت خوزستان و تا حدی در بخش‌هایی از غرب فلات ایران، زیست کرده، و فرهنگی غنی را بر اساس الگوی تمدن مردمان میان‌رودان ایجاد، توسعه و پایدار گردانیدند. غنای فرهنگی و تأثیرگذاری این تمدن به گفته نویسندگان متعددی، هم ردیف و هم سطح با تمدن‌های باستانی آن زمان، همانند سومر، بابل، اکد و آشور، و همچنین پایه‌گذار تمدن‌های بعد از خود همانند مادها و هخامنشیان است (گیلانی و الهیاری، ۱۳۹۱: ۷۱). در این بین مسئله اثبات چنین امری بر اساس شواهد تاریخی و تحلیل‌های تفسیری، به معنی بازخوانی این اسناد، از ساحت فکری انسان معاصر، مطرح است.

اساس مطالعات تاریخی، اگر چه متکی بر شواهد و یافته‌های باستان‌شناسی است، ولی تنها به قصد مطالعه تاریخ برای کشف تاریخ نیست (قاسمی و همکاران، ۱۴۰۰). بلکه فهم فضای فکری (Thinking Method) و درک شیوه زیست (Life Style) مردمان تمدن‌های مختلف، با هدف عمق یافتن دانسته‌های ما از علل، شیوه‌ها و فرایند قدرت‌گیری، تداوم و زوال ایشان در عرصه‌های مختلفی همچون فرهنگی است. ضرورت این بازشناسی برای انسان معاصر از محل توجه به زیستگاه عیلامیان در خاور نزدیک به‌عنوان یکی از

دیرینه‌ترین مراکز تمدنی و تجمعات انسانی، بر می‌آید که باید دانست، مرزبندی‌های فرهنگی قوی‌ای در این تمدن‌ها وجود داشته است که فارغ از مرزبندی‌های سیاسی معاصر، بر اساس حوزه‌های فرهنگی تعریف می‌شده‌اند.

بر این اساس، سوالات اصلی مطرح در این پژوهش، پیرامون عوامل سازنده تمدن عیلامی، همچنین تثبیت و اشاعه‌دهنده فرهنگ ایشان، شکل گرفته است.

روش تحقیق

باستان‌شناسی، یک حوزه فراگیر علمی است که هدف آن کشف و بررسی مفاهیم، موضوعات، روش‌ها، مشکلات و علایق اقوام و ملل مختلف از طریق بررسی آثار مربوط به ادوار پیش از تاریخ و تاریخی است. در حقیقت از آنجا که چارچوب این اکتشافات و مطالعات، یک روند منطقی محور را دنبال می‌کند، قابلیت اتکایی به میزان پایایی و روایی یافته‌هایش کسب می‌کند. بدیهی است که به میزان گستردگی قاب پژوهش در این بستر، بر کثرت عوامل و پیچیدگی روابط نیز افزوده خواهد شد. پژوهش جاری نیز بواسطه باستان‌شناسی اجتماعی مد نظر خود، نوعی کلان پژوهی است که به صورت تفسیرهای ساختاری و توصیفات آگاهی بخش، دست به اقناع‌گری منطقی زده است.

بر اساس روند کلی در پژوهش تاریخی، نیازمند یافتن داده‌های موجود بجای تولید داده‌های موردنیاز هستیم (سرمد و همکاران، ۱۳۹۸). به منظور حفظ

رسید که بیشترین توجه به دوران هخامنشیان شده است و به نقش حاکمیت‌های قبلی و خصوصاً عیلامی‌ها، توجه کمتری شده است. حال آنکه از یک سو، به صورت منطقی، مسائل فرهنگی نیاز به پایه گذاری، گسترش و برنامه ریزی اجرایی و اجتماعی دارند و اموری هستند که به صورت کامل، به استمرار، جامعیت و آموزش وابسته‌اند. از سویی دیگر، شواهد باستان‌شناسی و چنین دیدگاهی درباره نقش مهم فرهنگ عیلامی در پایه سازی فرهنگی ایران باستان، توسط اندیشمندان دیگر نیز به صورت کلی مطرح شده است (پاتس، ۱۳۸۵: ۲). همچنین، آگاهی تاریخی موجود از تاریخ عیلام، عمدتاً از منابع غالباً غیر بی‌طرف میان‌رودان (سومری، اکدی، آشوری و بابلی) است.

به نظر می‌رسد، بیشتر تحقیقات موجود درباره فرهنگ و تمدن عیلام، دارای وجوه بررسی محدود به چند عامل تعریف شده بوده‌اند و بررسی همزمان این عوامل که بتواند تصویر کلی از ماهیت تمدنی آن را آشکار کند، مورد توجه قرار نگرفته است. زیرا یکی از انتقادهای وارد به پژوهش‌های تاریخی، همین گستردگی مسئله است که جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها را دشوار می‌کند (قاسمی و همکاران، ۱۴۰۰، ۵۲۹) (جدول ۱).

مبانی نظری

به صورت کلی باید دانست، هنگامی که سخن از پژوهش پیرامون تمدن‌های باستانی به میان می‌آید،

بی‌طرفی در انتخاب، تحلیل و تفسیر منابع، ضمن گستردگی منابع مورد مطالعه، تعداد عوامل تعریف کننده، ارتباط‌شناسی و حجم ارتباط‌گیری این عوامل در ۵ لایه (شکل ۱)، از مهمترین رویکردهای بکار گرفته شده در این پژوهش بوده است. بر همین اساس تلاش گردیده از روند تعریف شده در این زمینه بهره‌گیری شود.

پیشینه تحقیق

به صورت کلی باید در پیشینه شناسی به این نکته توجه کرد که نقش پررنگ عیلامیان در تمدن سازی و تأثیرگذاری بر تمدن‌های هم دوره و بعدی خود، توسط برخی از تاریخ نگاران نادیده یا کم فروغ انگاشته شده است (پاتس، ۱۳۸۵: ۴۸۰). ولی آنچه بسیار مهم‌تر می‌نماید اینکه علی‌رغم حمله‌های متعدد و سنگین آشوریان در هنگام حیات این تمدن، آن‌ها نیز نتوانستند فرهنگ و آثار غیر ملموس این تمدن را نابود کنند. به‌گونه‌ای که به گفته بسیاری از مورخان، این حملات در همان زمان هم نتوانسته بود این تمدن را تا قبل از آخرین حمله سراسری آشوریان، ضعیف و بی‌اهمیت کند. به‌گونه‌ای که می‌توان ریشه‌های اصلی در برپایی حکومت‌های ماد و هخامنشی را در تحولات فرهنگی و تمدنی عظیم عیلامیان که به صورت‌های شفاهی و غیر ملموس به دوره‌های بعد رسیده بود، دانست.

این درحالی است که در بررسی آثار کتابخانه‌ای پیرامون ایران باستان، به این برداشت کلی می‌توان

واقعیت‌ها می‌بخشد. بر اساس همین جایگاه والا است که با توجه به گسترش حوزه‌های معرفتی و دانش بشری و نظریات متعدد، تعاریف گوناگونی در زمینه هنر وجود دارد. به صورت کلی امروزه در تعریف فرهنگ و هنر، از واژگانی همچون علم، معرفت، آگاهی، دانش، فضیلت و کمال، زیبانگاری و مهارت‌های خاص در زمینه درک و بیان احساسات تعریف کرده‌اند.

بر همین اساس است که یافته‌های باستان‌شناسان، در حالت کلی، ضمن ارتباط جوامع معاصر با گذشته، وجود (کمی و کیفی) ارتباطات میان ملل در آن دوران را نیز مورد بررسی قرار می‌دهند. همچنین، به صورت تخصصی‌تر، می‌توان قاب فرهنگی - اجتماعی را برای پژوهش‌های باستان‌شناسی اجتماعی به منظور دستیابی به معنا، مفهوم، رمز و رازهای انسان باستان با زبان هنر آن دوره در نظر گرفت تا بتوان، معانی و ویژگی‌هایی را که در لابلاهای خطوط، رنگ‌ها، شکل‌ها و ... نهفته است در یافت.

در ارتباط با مبانی هژمونی تمدنی باید گفت که واژگان «فرهنگ» و «تمدن» در نزد اندیشمندان، به واسطه اشتراک حوزه «معنی داری» در زمینه داشته‌های مادی و معنوی ملل، اقوام و نژاد، جدا از یکدیگر تصور نمی‌شوند (بریمانی و شعاع برآبادی، ۱۳۸۸، ۹۰). اضافه شدن واژه هژمونی به این ترکیب لغوی، اصطلاحی نو ترکیب است که نشان‌دهنده حوزه نفوذ و کاربرد داشته‌های فرهنگی یک تمدن است. به صورتی که به فرهنگ غالب، پایا، پیروی

تلاش پژوهشگر، جمع آوری اطلاعات برای شناسایی یا ارزیابی حقایق گذشته خواهد بود. زیرا باید با بررسی اطلاعات و ترکیب دلایل مستدل، به دنبال اهداف پژوهشی رفت. در این پژوهش، دو منبع اصلی وجود داشته است: نخست منابع مکتوب و دیگری آثار هنری و کالبدی (معماری، شهری، زیرساختی).

پس می‌توان گفت که از دید باستان‌شناسی، در این پژوهش از یک سو با انسان، قوم، فرهنگ و جامعه شناسی عیلامی و از سوی دیگر با علم تاریخ، برای بررسی اشیاء و آثار به جای مانده و یافت شده از عیلامی‌ها سر و کار داریم. مسیر اجرای این پژوهش تاریخی نیز، با جمع آوری داده‌های کیفی مربوط به عیلام باستان، از منابع معتبری که در بالا نام برده شد، و تحلیل آنها انجام شده است. ملاک ارتباط سنجی این داده‌ها، محتوی آنها درباره «مردم، معانی، وقایع یا ایده‌ها» در ارتباط با عیلام باستان در راستای اهداف پژوهش بوده است.

از «هژمونی تمدنی» تا «پایداری فرهنگی»

توجه به هنر و فرهنگ، سیر تحولی دارد که در ارتباط مستقیم با شیوه نگرش انسان هر دوره به ابعاد مختلف هنری و اجتماعی منعکس در آثار هنری است. به‌گونه‌ای که یافتن وجوه تشابه میان آنان و سیر در ابعاد مختلف زندگی انسان هم دوره با آنها، از وجوه مختلف فکر و زندگی او رفته رفته پرده برداشته و به این آثار گنگ و مرده، زبان و جانی خاص برای بیان

دشت های آشور انتخاب کرده‌اند (جعفری و جعفری، ۱۳۹۰، ۱۲۸). به هر صورت، در مورد خاستگاه عیلامی ها اطلاع دقیقی نداریم. تحقیقات انجام شده بر روی اسکلت عیلامی ها، ویژگی های مشترک عیلامی ها با سومری ها و تمدن دراویدی را در دره سند در پاکستان نشان می‌دهد. از جنبه اقامتگاه‌ها، از یک سو، آثار و بنا هایی از اقامت عیلامیان در دشت‌های خوز (شمال خلیج فارس) متعلق به هزاره چهارم قبل از میلاد برجای مانده (Fazeli and Masih Rad, 2015, 133) و از سوی دیگر جلگه آریوخ، احتمالاً قدیمی‌ترین منطقه‌ای بوده که عیلامیان برای زیست انتخاب کرده‌اند (افشارسیستانی، ۱۳۷۳) و جغرافیای عیلام امروزی را شامل می‌شده است.

عیلامیان، کاسیان، لولوبی‌ها، گوتی ها و یاکوتی ها از اولین ساکنان در محدوده جغرافیایی حاکمیت عیلام باستان بوده‌اند. گوتی ها و لولوبی‌ها بیشتر در نواحی کرمانشاه و کردستان تا نواحی شمالی و کاسیان بیشتر در سرزمین عیلام و لرستان سکونت داشته‌اند (بهرامی، ۱۴۰۰، ۱۱۵). به هر صورت باید گفت که با آغاز هزاره سوم ق.م، برخی از اقوام اولیه فلات ایران، که بیشتر آن ها ساکن در نواحی خوزستان، فارس و غرب زاگرس استقرار داشتند با همراهی و اتحاد اقوام ساکن در این مناطق، حکومتی تازه را به نام عیلامیان تأسیس و شهر شوش با سابقه شهرنشینی از حدود حداقل ۳۵۰۰ ق.م را مرکز دولت خود قرار دادند. همچنین، عیلامی‌ها از دو پایتخت استفاده

شونده در گذر سال‌ها و قرن‌های طولانی، اشاره می‌کند. اطلاعات مربوط به زندگی روزمره عیلامیان باستان که بیشتر در مهرهای مربوط به هزاره سوم یافت می‌شود، اگرچه به هیچ وجه کامل نیست، اما با این وجود آشکارا نشان‌دهنده وجوه مختلفی از یک تمدن است.

از یک سو، چون نام دو استان عیلام و خوزستان، از نام باستانی آنان است و از سوی دیگر، از آنجا که در کتاب مقدس یهودیان، مثلاً در اشعیا، عیلامیان را قومی دانسته‌اند که یهوه (نام خدای تعالی نزد یهودیان) آنان را برای گوشمالی بابل (اشعیا بدون تاریخ، ۲۱، ۲-۱) و اورشلیم (اشعیا بدون تاریخ، ۲۲، ۶) به کار گرفته است، و در کتاب دیگر مقدس ایشان، استر، بارها به بیره (دارالسلطنه شوش) اشاره شده و شوش را محل رخ دادن داستان استر در دوران خشایارشا (اخشورش) می‌دانند (استر بدون تاریخ، ۱، ۳-۱) می‌توان به اتصاف تمامی صفات یک تمدن که در بالا به آنها اشاره شد، درباره عیلامی‌ها، اطمینان داشت. در تطبیق این دیدگاه نسب به هزمونی تمدنی عیلامیان، رابطه‌یابی عوامل سازنده این هزمونی را در لایه اول مفهومی (بستر وقوع)، با استفاده از هوش مصنوعی انجام شده است.

خاستگاه قومی و نژادی عیلامیان

برخی از منابع، خاستگاه و جایگاه اصلی عیلامیان را بابلی دانسته که پس از مهاجرت از بابل، دره‌های زاگرس تا محدوده شوش را به دلیل حایل بودن از

می‌کردند: یکی در شهرستان دشت دزفول کنونی و دیگری در شوش، قدیمی‌ترین مرکز تمدن سیاست، تجارت، ارتباطات و اداره شرق و غرب (Edwards et al., 2007, 684).

دوره‌شناسی تاریخی تمدن عیلام

تمدن ایران، یکی از تمدن‌های بزرگ دوران باستان است، که منطقه جغرافیای بزرگی با تنوع نژادی، قومی و هنری را شامل می‌شده است. اگر چه تاریخ فرهنگ و هنر فلات ایران، قدمت پارینه‌سنگی دارد، ولی شاخص‌ترین آثار اغلب مربوط به دوران نوسنگی و مرتبط با ساخت سفال در حدود اواخر هزاره نهم و اوایل هزاره هشتم قبل از میلاد در مناطق غربی ایران به‌ویژه کوه‌های زاگرس، لرستان و گنج دره هرسین در کرمانشاه است.

لفظ تمدن، معادل‌های نا هم ترازوی همچون مدینه، شهرنشینی، جامعه شهری، زندگی و نظام اجتماعی مترقی را دارد. در حقیقت، منظور از مترقی بودن را می‌توان در عرصه‌هایی همچون هنر، علم، فرهنگ و نظام حکومتی در نظر گرفت که منجر به رشد آداب و رسوم فکری و زندگانی و ایجاد تمایز نسبت به سایر جوامع می‌گردد. با توجه به موارد فوق می‌توان نتیجه گرفت که هر اجتماع انسانی را، فارغ از مقیاس کمی و جغرافیای حضور در قالب شهر یا کشور و حتی منطقه را نمی‌توان تمدن نامید. زیرا ملاک‌های کیفی در زمینه هنر، فرهنگ، دانش و حکومت، نقش تعیین‌کننده‌تری دارند (جدول ۲).

مطالعات و بررسی‌ها

به هر روی، در دوره تمدن عیلام، اگرچه درگیری‌های بین دولت عیلام در جنوب شرقی ایران و بین‌النهرین همسایه وجود داشته است، ولی مهم‌ترین ارتباطات فرهنگی با ایشان، با استفاده از خط میخی برای ثبت زبان عیلامی بر مهرهای استوانه‌ای و در بنای زیگورات‌ها، ماندگار شده است. به صورت کلی، دوره پیش از نخستین دوره تاریخ عیلام به نیاعیلامی و تاریخ عیلامی را می‌توان به سه مرحله اصلی با گستره بیش از دو هزار سال تقسیم کرد: دوره عیلامی قدیم، دوره عیلام میانه، نئو عیلامی.

«آوان» اولین سلسله عیلام (۲۶۰۰-۲۵۵۰ ق.م) و شوشتر پایتخت آن بود. نبرد آنها با «سومر اکاد»، مهم‌ترین واقعه دوران ایشان که منجر به شکست سومر اکاد شد و عیلامی‌ها سال‌ها بر نواحی بین‌النهرین فرمانروایی کردند. دوره عیلام میانه (۱۱۰۰-۱۴۵۰ ق.م)، دوران طلایی عیلام بود اما به دلایل داخلی همچون درگیری‌ها، عیلام حکومت مرکزی نداشت و ایالت‌ها مستقلاً اداره می‌شدند. در دوران نئوعیلامی (۷۴۵-۶۴۵ ق.م) از دیدگاه اجتماعی، عیلامی‌ها می‌توانستند زندگی مبتنی بر دامداری و شکار را به زندگی مبتنی بر کشاورزی و رام کردن حیوانات ارتقا دهند. همزمان با استفاده مس و برنز، ظروف فلزی ساخته و صنایع فلزکاری خود را توسعه دادند. در این عصر، صنایع سفال‌سازی، پس از اختراع چرخ سفالگری توسعه زیادی یافت (Fazeli and Masih Rad, 2015, 134).

تمامی نمادها و ظواهر تمدنی عیلامیان است. به هر روی برای اقناع گری بیشتر، در ادامه به برخی موارد به صورت تحلیلی پرداخته می‌شود.

شاهراه تمدنی (فرهنگی و هنری)

تقریباً هم دوره با تمدن عیلام قدیم در شوش، در هزاره سوم قبل از میلاد، تمدنی پر رونق در نواحی جنوب شرقی ایران، و به خصوص در شهر سوخته در کنار کهن‌ترین دلتای رود هیرمند، در استان سیستان و بلوچستان پدید آمد که به دلایل تمدنی و جغرافیایی، ارتباطش با میان‌رودان کمتر بوده و در مقابل، تبدلات فرهنگی و هنری‌اش با جوامع ساکن در شرق فلات ایران بیشتر بوده است. شهر سوخته از مهم‌ترین مراکز دوران مفرغ در شرق ایران به شمار می‌رود. بر همین اساس است که برجسته‌ترین اثر به دست آمده از این دوران، مربوط به هزاره سوم ق.م بوده که پرچم (درفش) مسی است که با نقش فردی نشسته بر تخت در حال دعای درخواست باران از ملکه باران، با مناظر پیرامون، مکشوفه از منطقه شهداد کرمان می‌باشد.

این در حالی است که در تمام دوره‌های تاریخ تمدن عیلام، ارتباط تناتنگی با تمدن‌های غربی خود (سومر، بابل و آشور)، داشته‌اند. به همین ترتیب، عیلام اغلب در رویدادهای فلات ایران شرکت می‌کرد. هر دوی این دخالت‌ها به نیاز ترکیبی همه تمدن‌های پست به کنترل مردمان جنگجو در شرق و بهره‌برداری از منابع اقتصادی فلات مربوط می‌شد.

عوامل ساختارآفرین و ارتقاءدهنده فرهنگ عیلامی همانگونه که اشاره شد، هوش و ذکاوت بروز یافته تمدن عیلامی در زمینه‌های علمی و فرهنگی، باعث ایجاد ارزش افزوده اجتماعی برای این تمدن باستان گشته بود. بدین معنا که علاوه بر اختراعات و تولیدات بومی بود در عرصه‌های مختلف، داشته‌های فرهنگی و هنری و همچنین کشفیات علمی تمدن‌های پیرامونی را دریافت داشته و با تسلط و هوشمندی خود بر این عرصه‌ها، مسیر طی شده را به سمت کاربردی و مفیدتر شدن نتایج و محصولات به کار می‌بسته‌اند. در این زمینه برخی معتقدند که روشن و ساده‌سازی فرایندها و همچنین کشف راه حل‌های جدید حل مسئله‌های علمی و اجتماعی، باعث ایجاد توانایی «تطابق پذیری» و «ایجاد شایستگی زیستی» در این تمدن گشته است (گیلانی و الهیاری، ۱۳۹۱: ۷۴).

به دیگر سخن، به عقیده بسیاری از اندیشمندان، فرهنگ محوری و توجه جامعه و حاکمیت عیلامی به گسترش علم و هنر، باعث افزایش توانمندی‌های فرهنگی و سطح فکری ایشان نسبت به سایر تمدن‌های پیرامونی گشته است. به گونه‌ای که می‌توان این فرضیه را این گونه بیان کرد که، تمدن‌های مهاجم (مثل آشور) به عیلامیان، خود دارای مواهب طبیعی و تمدن‌های خودبسندگی بوده‌اند و اصولاً نیاز راهبردی به سرزمین عیلام و منابع مادی ایشان را نداشتند. گواه مهم این ادعا، عدم ماندگاری مهاجمین بعد از حمله و پیروزی، و از سویی دیگر اصرار ایشان بر نابودی

حکومت، مدیریت، معماری و فرهنگ را پرورش داد. ایالت و شهر شوش در کنار قلمرو بزرگ‌تر آن سوسیانا (شوشیانا) پایه‌های تمدن و مدیریت اولیه ایران را در مقیاس وسیع تشکیل دادند، که همزمان با ظهور یکی از جوامع اولیه ایرانی از اجداد نیاعیلامی، نقش پایتخت یکی از کهن‌ترین امپراتوری‌های دوران باستان (عیلام) را در حدود ۳۰۰۰ سال قبل از میلاد مسیح تا ۶۰۰ ق.م و روی کار آمدن مادها بر عهده گرفت.

گسترده‌گی ذاتی مسائل فرهنگی و اجتماعی در همه دوران تمدن بشری، در دوره عیلامیان نیز وجود داشته، و رشد نا همسان همسایگان تمدنی و خود عیلامیان در زمینه‌های فوق، باعث شکل‌گیری دلایل کافی در زمینه بهره‌گیری از داشته‌های سایر ملل توسط آنان بوده است. به‌گونه‌ای تأثیرپذیری فرهنگ و هنر عیلامیان از تمدن‌های سومری و همچنین اکد، آشور و بعد از اتحاد این دو و شکل‌گیری تمدن بابل، در آثار بجای مانده از آن دوران مشهود است. همچنین تأثیرگذاری متقابل افکار بومی ایشان بر تمدن‌های فوق نیز، به همین طریق مشاهده گشته است. گویا مردم این تمدن‌ها، زمینه فکری و هنری نزدیک به یکدیگر داشته‌اند که در مسئله زیبایی‌شناسی، همگونگی فرهنگی، ارتباط ایشان با یکدیگر بیشتر از زمینه‌های مخرب فرهنگ، همچون جنگ‌های فی‌مابین آنها بوده است (پیرامیه، ۱۳۴۹). این در حالی است که به دلایلی همچون پیشرفت‌های ناشی از شاهراه تمدنی بودن عیلامیان و زمینه‌های

علاوه بر این مرکز تبادلات فرهنگی بودن، به نظر می‌رسد که پیدایش تخصص‌های مختلف هنری در عیلام باستان، حکایت از نیاز جامعه هنری به حفظ میراث و هویت فرهنگی داشته است.

تبادلات تمدنی عیلامیان با سایر تمدن‌های همجوار، یکی از دلایل تنوع فرهنگی و هنری و در اصطلاح، تبدیل شدن این پهنه به شاهراه تمدنی این دوران محسوب می‌شده است. به‌گونه‌ای که با اقوام اراراتوری (ساکن در حاشیه دریاچه ارومیه تا گرجستان و ارمنستان کنونی) از طریق ملل شمال زاگرس، همچون لولوبی و گوتی‌ها، و از طریق دره سند با هند ارتباط فرهنگی و تجاری داشته است (آمیه، ۱۳۴۹: ۱۲)، ولی ارتباطات فرهنگی با تمدن‌های میان‌رودان، به‌واسطه دسترس‌پذیری راحت‌تر، تداوم و گسترده‌گی بیشتری داشته است. به هر روی یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های عیلامیان در زمینه تبادلات فرهنگی، تمایل به احسن و نیکوتر بوده است. به‌گونه‌ای که خود را از زیبایی و پیشرفت‌های مختلف سایر ملل محروم نمی‌کرده‌اند و آغوشی باز برای اشتراک داشته‌هایشان با ایشان نیز داشته‌اند (پیرامیه، ۱۳۴۰: ۳).

در حقیقت، پایه این تبادلات شوش بوده است. شوش یکی از قدیمی‌ترین مکان‌های تمدن باستانی بود که در حدود ۶۰۰۰ سال قبل از میلاد یا قبل از آن، حیات سیاسی در مقیاس وسیع داشته و به عنوان رقیب دولت‌شهری برای سومر در بین‌النهرین بوده است، زیرا برخی از اولین دستاوردهای بشری در

عیلام کنونی، الامتو (Elamtu) یا الام (Elam)، به معنای بالاکوه و سرزمین طلوع و خورشید تابان می‌گفتند (پیرامیه، ۱۳۴۹: ۲؛ مجیدزاده، ۱۳۷۰: ۵) (جدول ۳).

همچنین، نقش شاهره بودن تمدن عیلامی، صرفاً برگرفته از ژئوپلتیک خاص آن نبوده (گیرشمن، ۱۳۳۶: ۳۳)، و قابلیت‌های پیشرفته‌ای در زمینه‌های «دریافت، توسعه و انتقال» فرهنگی، و همچنین تمرکز و جذب سرمایه‌های اقتصادی را نیز به واسطه هوش و ذکاوت فطری مردمان خود داشته است. این جایگاه والای اقتصادی عیلامیان، به نسل‌های بعدی نیز منتقل شده بود و در زمان هخامنشیان نیز، ساتراپ‌های عیلامی، درآمدزاترین بخش جمعیتی در پهنه حاکمیتی ایشان بوده است (گرشویچ، ۱۳۸۷: ۲۲۳). زیر ساخت‌های فیزیکی همچون سیلو و حاشیه امن اقتصاد شهری ناشی از زنجیره تأمین و توزیع کالا، باعث شده بود که شهر شوش و دشت‌های حاصلخیز پیرامونی آن، منبع قابل اتکا و مورد اعتمادی برای برپایی کشاوری و زنجیره تأمین مواد غذایی برای زندگی شهری پایدار آن باشد (ماری کخ، ۱۳۸۳: ۳۲۰) (جدول ۴).

اصولاً تفکر اقتصاد در مکان‌یابی تجمع‌گاه‌های باستانی و شکل دهی به ساختار کالبدی آنها تأثیر بسزایی داشته است. به عنوان مثال، تصور اندیشمندان درباره تمدن‌های پیشاعیلامی در جیرفت و همچنین علت حضور عیلامی‌ها در اطراف شهر شوش، تمایل صرف به یکجا نشینی نبوده است، بلکه به دنبال منابع

مستعد ایشان در تمدن سازی، با پیشرفت‌های متوالی و مستمر در طی دوهزار سال، دوستان تمدنی به سمت رقابت و حذف تمدن ایشان برآمده و از در ستیزه جویی درآمدند. به گونه‌ای که تحمل حتی آثار تمدنی ایشان را بعد از کشتار بی‌رحمانه تمام افراد و حتی دام‌های عیلامی را نیز نداشته‌اند. در این زمینه تفکر کلی بر این است که اصولاً عیلام محل تلاقی دو تمدن مهم میانرودان و تمدن فلات ایران بوده است (پیرامیه، ۱۳۴۹: ۱۳). به صورت کلی ارتباط عیلام با تمدن‌های همسایه غربی، بیشتر از حالت صلح، در وضعیت دفاعی برخوردار بوده است.

اقتصاد ساختار یافته و چندلایه

بررسی‌های باستان‌شناسی درباره عیلامیان، به خصوص در دهه‌های اخیر، حاکی از آن است که بهره‌گیری از مواهب محیطی، همچون وجود آب و خاک مناسب و موقعیت استراتژیکی باعث ایجاد زمینه استقرار دائمی مناسبی شده است (خلیلیان، ۱۳۷۹، ۶۴) که در عمل نیز در کنار حاکمیت فرهنگ سالار و بصورت کلی، رفاه اجتماعی در سرزمین عیلام، همیشه مد نظر طمع جویانه تمدن‌های همسایه و البته رقیب بوده است. عامل مهم در این رفاه، مربوط به جایگیری و به اصلاح مکان‌یابی مناسب عیلامیان در بهترین مکان‌های کوه، جلگه و دشت‌های ایران باستان بوده است. به گونه‌ای که سومریان و اکدی‌ان، نام سرزمین مرتفع را بر آن نهاده بودند و با علامت (NIM) می‌نگاشتند و بابلیان به

جامعه هنری رسمیت یافته

ساکنان شوش از دوران بسیار قدیمی‌تر از دوران حاکمیت عیلام، در هنرهای همچون سفالگری و نقاشی روی سفال، بسیار پیشرفته محسوب می‌شده‌اند، که دستاوردهای هنری متعلق به هزاره سوم این تمدن، تا حد زیادی در آثار مهرسازان حفظ شده است. به گونه‌ای که نشان‌دهنده این است که در دوران عیلامی‌ها و همزمان با ابداع مفرغ، جایگزینی تدریجی ظروف مفرغی، نقره‌ای و طلایی، بجای سفالینه‌ها، باعث کاهش کیفیت آنها از نظر شکل و نقش، خصوصیات و در نتیجه کنار گذاشته شدن آنها بعد از ۷۰۰ سال شده بود. می‌توان گفت چنین جامعه هنری ساختار و سازمان یافته‌ای، نشان‌دهنده رسمیت یافتگی آن در نزد حاکمیت و مردم بوده است. به گونه‌ای که بسیاری از هنرها و آثار هنری، در بستری غیر حاکمیتی، رشد و رونق پیدا می‌کرده است (جدول ۵).

آنچه مهم‌تر از بستر این رشدیافتگی هنری است، توجه به این نکته است که در فرایندهای هنری و چارچوب فکری ایشان که امروزه به عنوان مبانی نظری هنرهای تجسمی از آن یاد می‌شود نیز، شاهد ماندگاری تا اواخر دوران ساسانیان هستیم. به گونه‌ای که بسیاری از محققین معتقدند که ریشه‌های زیبایی شناسی هنر عیلامی، به صورت مستقیم یا ضمنی در اندیشه‌های فکری و آثار هنری نسل‌های قبل و بعد از ایشان وجود داشته است (اقتباس از: پاتس، ۱۳۸۵: ۴۸۰؛ هینس، ۱۳۸۵: ۹۳). همین اصالت محتوایی و

غنی برای امور کشاورزی و نظامی، و دسترسی پذیری آسان از مسیرهای ارتباطی متنوع برای ارتباطات و توسعه بازرگانی شهری بوده‌اند. به همین خاطر است که شوش به عنوان پایتخت عیلام، زنجیره تأمین مواد غذایی و اقتصاد شهری و در کل، سیمای اقتصاد شهری قوی‌ای را داشت در حاکمیت هخامنشیان، به عنوان یک «بودباش» و کلانشهر مهم با نام پارسی «سوسونکا» به حیات دیرینه خویش ادامه داد.

پایه و اساس این افزایش حضور عیلامی‌ها، صرفاً برنامه ریزی و مدیریت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی آنها در انسجام بخشی به ظرفیت‌های سرزمینی نبوده است. بلکه آنها با اختراع اولین چرخ‌های قابل استفاده در ارابه، و در ادامه این پیشرفت‌ها، ایجاد شبکه‌ای جاده‌ای برای اتصال مراکز تجاری، به ایجاد انبارهای مختلفی برای نگهداری انواع کالاها اقدام کردند. همچنین، آنها انواع مختلف اسناد تجاری را تهیه و تنظیم کردند و کالاها را بر روی کتیبه‌های گلی محاسبه کردند. یکی دیگر از پیشرفت‌های عیلامی‌ها به کاربردن مهرهای استوانه‌ای با اشکال مختلف حیوانات و اشکال هندسی است. علاوه بر این، عیلامی‌ها روش‌های آبیاری مصنوعی را در شرق و غرب ایران گسترش دادند که نسبت به روش‌های قبلی پیشرفته‌تر بود (Fazeli and Masih Rad, 2015, 134).

شوش) برای نگارش استفاده می‌شده است. به عنوان مثال در کهن‌ترین لایه ساخت شهر سوخته در دلتای هیرمند (سیستان و بلوچستان)، ک گل نبشته عیلامی به قدمت ۳۲۰۰ ق.م کشف شده است.

بسیاری از پژوهشگران با مقایسه لوحه‌ها و آثار ثبتی باقی مانده از تمدن‌های هم عصر با ایشان، با آثار عیلامی، پی برده‌اند که تبادلات فرهنگی عیلامیان با سومریان، باعث تأثیر در فرایند اختراع نوع اولیه خط عیلامی با اقتباس از خط تصویری سومریان گشته است. به دیگر سخن، سیر تحول خط در تمدن عیلام، نتیجه پیشرفت درونی جامعه آنها بوده است و تأثیر حداقلی از تمدن‌های میانرودان داشته است. صرف نظر از سیر تحول مستقل خط پیشاعیلامی در تمدن جیرفت، این صرفاً خط میخی در جنوب غربی فلات ایران است که می‌توان گفت در عین استقلال در شیوه‌های نوشتار تصویری، صرفاً در بخشی از فرآیند شکل‌گیری اش، از مبادلات فرهنگی - اقتصادی با فرهنگ سومر تأثیر گرفته است. والا در همین خط میخی هم، اقتباس و تقلید شکلی از رسم الخط سومری وجود ندارد.

در حقیقت باید گفت که همجواری و روابط اجتماعی با تمدن‌های دشت لوت و مرکز فلات ایران از یک سو و با تمدن‌های میان‌رودان از سویی دیگر، نقش ارتباط بین تمدنی در جامعه عیلام را تقویت کرد. به‌گونه‌ای که توانست جنبه‌های فرهنگی و هنری مستقلی خود را نیز پرورش و غنی‌تر کند. از لحاظ جغرافیای گسترش خط نشانه‌ای در کهن پهنه

صلابت روشی را می‌توان مولودی از رسمیت یافتگی هنر در جامعه عیلام به حساب آورد. همین روند را درباره هنر هخامنشی و وام‌داری آن از هنر عیلامی در نظریه‌پژوهشگران وجود دارد. به عنوان مثال استفاده از تکنیک روکش سازی طلا بر روی مجسمه‌های نقره ریخته‌گری شده با روش آبکاری را اوج هنر فلزکاری عیلامی می‌دانند که پس از آن هخامنشیان، در سطح وسیعی برای تزئین ظروف فلزی خود به کار گرفتند (Moorey, 2005) (جدول ۶).

اختراع و ارتقاء رسم الخط از دیداری به آوایی

خط پیشاعیلامی بر کتیبه‌ها و ظروف زیادی در تمدن‌های پیشاعیلامی خصوصاً در جیرفت کرمان، با احتمالاً بیش از ۱۵۰ الگوگرام اصلی کشف شده است (Hinz, 1972, 30). همچنین، در بیش از هفتصد سفالینه قرمز رنگ با علائم و خطوط نشانه‌ای در محوطه باستانی شهداد (خبیص) کرمان، مشخص شده که اشکال پیچیده را به وسیله فشار مهر فلزی یا سنگی در بدنه ظرف، و علائم ساده خطی را با قلم کنده‌اند. کشف «خط نشانه‌ای»، از نوع خطوط ابتدایی و تصویری در تمدن پیش از تاریخ در شهداد، نشان‌دهنده یک حلقه جلوتر از سیر تحول و پیدایش خط عیلامی کشف شده بر روی الواح گلی و سنگی شد. در شهرهای هزاره چهارم ق.م در فلات ایران، از لوح‌های گلی (عمدتاً به صورت خطی و تصویری در عیلام قدیم و برخی مناطق از جمله تپه سیلک، شهر سوخته، گودین تپه و به طور مشخص در

استفاده قرار می‌گرفت. گویش آشوری که در نواحی شمالی میان‌رودان رایج بود. به همین دلایل به این زبان «آشوری - بابلی» نیز می‌گویند. اکدی یکی از آن سه زبانی است که کارکرد کتیبه‌ای داشته و در کتیبه‌های بیستون به کار رفته است. زبان دیگر عیلامی بود. زبان عیلامی، مستقل بوده و هیچ ارتباطی با هیچ زبان باستانی دیگری نداشته، و مانند زبان اکدی دارای عملکرد کتیبه‌ای بود (Kohansal, Vajargah, 2020, 1862).

شکل‌گیری یک نظام اداری مبتنی بر رسم الخط عیلامی، نیازمند نهاد متولی برای آموزش خط، نگهداری و دسته بندی الواح و اسناد، آموزش اساتید و فضای آموزشی بوده است. به بیانی دیگر، شکل‌گیری یک نظام آموزشی برای امور مختلف مربوط به آموزش خط، اصول نگارش و خوانش، اصول مکاتبات و الواح اداری و مسائلی از این دست است. چنین چیزی را می‌توان در یک مهر کشف شده از شوش نیز متوجه شد (جدول ۷).

این فرایند بدین صورت بیان می‌شود که، کامل بودن رسم الخط عیلامی و انتساب آن به حاکمیت فرهنگدوست عیلامی در کنار خصوصیات و مزیت‌های زبان شناسانه باعث شده بود که تا زمان به قدرت رسیدن داریوش هخامنشی، نه تنها مورد استفاده قرار گرفته و زنده باشد، بلکه در کتیبه شاهی بیستون، مقدم بر زبان‌های بابلی و فارسی باستان نوشته شود (Kent, 1953: 116-34; Luschey, 1990a: 292). برخی از پژوهشگران با انتساب سنت

ایران، باید گفت که به دلیل روابط فرهنگی و اجتماعی بین تمدن‌های بزرگ پیرامون عیلام، همچون سومر، موهنجودارو و هاراپا، فراتر از مناطق غربی و جنوب ایران، تا دورترین اماکن رواج یافته است.

به‌گونه‌ای که در طی چندین سال تبادل فرهنگی با جمعیت‌های ساکن در فلات مرکزی (خصوصاً نجد) ایران که متعاقب فتوحاتی بر جمعیت‌های فلات مرکزی بوده است، و همچنین مردم آنتشان (فارس امروزی)، در دوره عیلامی، خط میخی را از ۸۰۰ نشانه‌ای، به ۳۰۰ نشانه‌ای تبدیل و ساده سازی کردند. به دید بسیاری از زبان شناسان، تمدن عیلامی، کمال خط دیداری (تصویری) را، همزمان با پیدایش نخستین خطوط تصویری جهان در تمدن‌های دشت لوت و سومر، طی کرده و رسم الخط نوشتاری اولیه، به نام «عیلامی مقدم» یا «عیلامی آغازین» را رقم زده است (گیرشمن، ۱۳۳۶: ۲۹-۳۳).

همین دیدگاه درباره نقش منشیان درباری هخامنشی که غالباً عیلامی بوده‌اند وجود دارد. به‌گونه‌ای که اختراع خط میخی فارسی باستان در زمان داریوش هخامنشی را، می‌توان حاصل ارتقاء آگاهانه و منطقی خط اولیه عیلامی، و سپس خط میخی عیلامی با حدود ۳۰۰ علامت دانست (گرشوئچ، ۱۳۸۷: ۵۲؛ هینس، ۱۳۷۱: ۴۳-۴۴). در زمان هخامنشیان، زبان‌های غیر ایرانی این عصر اکدی، عیلامی و آرامی بودند. اکدی شاخ‌های از زبان‌های سمیتیکی است که در ۳۰۰۰ سال قبل از میلاد در منطقه میان‌رودان مورد

شاهان عیلامی در ایجاد نقش برجسته‌های حاوی متن نوشته، داریوش را پیرو و تداوم آفرین همین آیین می‌دانند (Briaent, 1984: 293). در حقیقت، مطالعات بعدی توسط (Hinz, 1968:95; Luschey,) (1968b: 90) نشان داده که خط میخی فارسی باستان در این کتیبه، از ابتدا وجود نداشته و بعد از ایجاد آن، به صورت حاشیه نویسی با روش حجاری به آن افزوده شده است (جدول ۸).

در این مهر، پادشاه «اینداتو دوم» در سمت چپ، بر تختی ساده، با عمامه و لباس‌های گران قیمت، نشسته و با دست راستش عصایی خمیده را به رئیس دانشگاه که علاوه بر قاضی بودن، مسئول «لوح خانه» یا «مدرسه کاتبان» نیز بوده، تقدیم می‌کند. به دیگر سخن، حکومت عیلامیان برای نامه نگاری مدرسه کاملی از کاتبان زحمتکش داشته که هزاران کاشی دست نوشته بدون نشانی از سازندگانشان را تولید می‌کرده‌اند (Hinz, 1972). این چنین ظرفیتی برای یک پدیده نوظهور و ورود و به‌کارگیری آنی در سازمان اجرایی دولت عیلامی، نشان بارزی از علم و پیشرفت خواهی این تمدن دارد. این فرایند بدین صورت بیان می‌شود که، کامل بودن رسم الخط عیلامی و انتساب آن به حاکمیت فرهنگدوست عیلامی در کنار خصوصیات و مزیت‌های زبان شناسانه باعث شده بود که تا زمان به قدرت رسیدن داریوش هخامنشی، نه تنها مورد استفاده قرار گرفته و زنده باشد، بلکه در کتیبه شاهی بیستون، مقدم بر زبان‌های بابلی و فارسی باستان نوشته شود (Kent, 1953: 116-34; Luschey, 1990a: 292).

ابداعات معماری - شهرسازی و گسترش مهارت‌های ساخت

پژوهشگران با انتساب سنت شاهان عیلامی در ایجاد نقش برجسته‌های حاوی متن نوشته، داریوش را پیرو و تداوم آفرین همین آیین می‌دانند (Briaent, 1984: 293). در حقیقت مطالعات بعدی توسط (Hinz, 1968: 95; Luschey, 1968b: 90) نشان داده که خط میخی فارسی باستان در این کتیبه، از ابتدا وجود نداشته و بعد از ایجاد آن، به صورت حاشیه نویسی با روش حجاری به آن افزوده شده است.

نمونه‌های شهری فلات ایران به تاریخی بیش از هزاره چهارم قبل از میلاد می‌رسد. به عنوان مثال خانه‌های پلکانی و بافت شهری در شهر سوخته که از خشت خام به عنوان مصالح اصلی در آنها استفاده شده، نشان از دوران درخشانی از معماری پیشاعیلامی می‌دهد که البته بخشی از دوره حیات تمدنی ایشان، همزمان با تمدن عیلام بوده است. یکی از مهم‌ترین مکان‌ها شوش است که محل تبادل فرهنگی و تجاری بین مردم کوهستان زاگرس و ساکنان دشت بین‌النهرین است.

آنگونه که از شواهد کاوش‌های گروه‌های باستان‌شناسی ایرانی در حفاریات محوطه باستانی هفت تپه نمایان گشته، برای اولین بار در تاریخ مکشوفه تمدن بشری تا زمان حال، طاق خشتی به صورت هلالی در این محل کشف شده است

پادشاه «اینداتو دوم» در سمت چپ، بر تختی ساده، با عمامه و لباس‌های گران قیمت، نشسته و با دست راستش عصایی خمیده را به رئیس دانشگاه که علاوه بر قاضی بودن، مسئول «لوح خانه» یا «مدرسه کاتبان» نیز بوده، تقدیم می‌کند. به دیگر سخن، حکومت عیلامیان برای نامه نگاری مدرسه کاملی از کاتبان زحمتکش داشته که هزاران کاشی دست نوشته بدون نشانی از سازندگانشان را تولید می‌کرده‌اند (Hinz, 1972). این چنین ظرفیتی برای یک پدیده نوظهور و ورود و به‌کارگیری آنی در سازمان اجرایی دولت عیلامی، نشان بارزی از علم و پیشرفت خواهی این تمدن دارد. این فرایند بدین صورت بیان می‌شود که، کامل بودن رسم الخط عیلامی و انتساب آن به حاکمیت فرهنگدوست عیلامی در کنار خصوصیات و مزیت‌های زبان شناسانه باعث شده بود که تا زمان به قدرت رسیدن داریوش هخامنشی، نه تنها مورد استفاده قرار گرفته و زنده باشد، بلکه در کتیبه شاهی بیستون، مقدم بر زبان‌های بابلی و فارسی باستان نوشته شود (Kent, 1953: 116-34; Luschey, 1990a: 292).

پادشاه «اینداتو دوم» در سمت چپ، بر تختی ساده، با عمامه و لباس‌های گران قیمت، نشسته و با دست راستش عصایی خمیده را به رئیس دانشگاه که علاوه بر قاضی بودن، مسئول «لوح خانه» یا «مدرسه کاتبان» نیز بوده، تقدیم می‌کند. به دیگر سخن، حکومت عیلامیان برای نامه نگاری مدرسه کاملی از کاتبان زحمتکش داشته که هزاران کاشی دست نوشته بدون نشانی از سازندگانشان را تولید می‌کرده‌اند (Hinz, 1972). این چنین ظرفیتی برای یک پدیده نوظهور و ورود و به‌کارگیری آنی در سازمان اجرایی دولت عیلامی، نشان بارزی از علم و پیشرفت خواهی این تمدن دارد. این فرایند بدین صورت بیان می‌شود که، کامل بودن رسم الخط عیلامی و انتساب آن به حاکمیت فرهنگدوست عیلامی در کنار خصوصیات و مزیت‌های زبان شناسانه باعث شده بود که تا زمان به قدرت رسیدن داریوش هخامنشی، نه تنها مورد استفاده قرار گرفته و زنده باشد، بلکه در کتیبه شاهی بیستون، مقدم بر زبان‌های بابلی و فارسی باستان نوشته شود (Kent, 1953: 116-34; Luschey, 1990a: 292).

(پیرامیه، ۱۳۴۹: ۱۲). قدمت این طاق و پوشش آن ۱۵۰۰ سال بیشتر از طاق‌های رومی است و بسیار بجاست که زین پس نام این طاق‌ها را پپاس هنر و دانش معماران آن، «طاق عیلامی» بنامیم. همچنین ایجاد ساختمان با طبقات قابل زیست که در کاربری مذهبی نام آن «دوراوتاش» بوده را، می‌توان نشانه ارزش افزوده خلاقیت عیلامی بر ایجاد ترکیبی نوساخته و بهینه گشته، از داشته‌های بومی یا وارد شده از سایر تمدن‌های پیرامونی از جمله آشوری دانست.

شاخص‌ترین اثر معماری عیلامی و بزرگ‌ترین زیگورات جهان، معبد چغازنبیل شوش با قدمت تقریبی ۱۲۵۰ ق.م است، که به صورت برج پنج طبقه (اکنون ۳ طبقه باقی مانده)، در نزدیکی شهر شوش (استان خوزستان کنونی)، به دستور اونتاش ناپیرشا (اونتاش گال) برای تجلیل از «اینشوشیناک» (خدای شهر شوش)، با بلندی تقریبی ۴۹-۵۲ متر ساخته شده است. در ساختمان زیگورات، از لحاظ شاکله و عناصر معماری، مجموعه‌ای از قوس، پله، راهرو، اتاق پله دار به عنوان محل هدایا، مقابر (اتاق بدون پله) و آبروها دیده می‌شود که نشان‌دهنده فعالیت آرامگاهی در کنار پرستشگاهی است. به طور کلی این بنای عظیم، بهترین نمونه هنر معماری بر اساس طاق قوسی را در دنیای باستان نشان می‌دهد (جدول ۹).

تقدس این مکان‌های مذهبی، موجب نوع خاص مکان‌یابی و شیوه طراحی و ساخت آنها می‌شده است. زیرا، از یک سو، رهبران مذهبی و سران قبایل

و خانواده سلطنتی مؤمنان را به دعا در مکان‌های مقدس یا معابد هدایت می‌کردند، از سویی دیگر، این مکان‌ها، جایی برای مجسمه‌های مذهبی، محراب‌ها و مکان‌های قربانی و قرارگیری هدایای مردم به خدایان بودند. پس مکان‌یابی این نوع معابد، شامل ارتفاعات و زمین‌های مرتفع یا معبدی مرتفع در شهر یا گاهی معبدی در بالای کوه یا مکانی دور از روستا بود (Fazeli and Masih Rad, 2015, 135) (جدول ۱۰).

بخشی از تزئینات ساختمانی این معبد، آجرهای لعاب دار رنگارنگ آبی و سفید بر دیواره آن است که بر آنها کتیبه‌هایی به خط میخی عیلامی موجود است که بیشترین اطلاعات درباره ساختمان آن، از جمله نام سازنده زیگورات (اونتاش گال پادشاه عیلامی) و نام خدای اینشوشیناک، خدای شوش، به خط میخی عیلامی از همین کتیبه‌ها بدست آمده است. در این معبد، فنون پیشرفته لعاب کاری در کاشی‌های تزئینی، و در قسمت در ورودی معبد، میله‌های باریک شیشه‌ای مات به کاررفته که شاید بتوان آنها را جزء اولین‌ها در معماری ایرانی به حساب آورد. در طراحی درهای چوبی این بنا، معرق کاری شیشه‌ها در کنار نقوش زرین و سیمین به روش خاتمکاری عاج به کار رفته است.

سازندگان عیلامی به منظور کار گذاشتن خشت و آجر، ۲۲ نوع ملات گوناگون را بکار برده‌اند. ملات‌های مذکور از مواد مختلفی چون قیر آهک، گچ خاک رس و تراشه چوب ترکیب می‌شدند. ملات

پیدایش، بدون تاریخ، فصل دهم، نوح، جملات ۲۰-۲۲)، به عنوان پسر سام (شم) آمده است که این اشاره فقط می‌تواند بر بودن سامیان در این منطقه دلالت کند نه بر سامی بودن عیلامیان. براساس نوشتار (تورات، برشیت، بدون تاریخ، فصل ۱۴، لخلخا، جمله ۱). پادشاهِ علام که در روزگار ابراهیم به فلسطین حمله کرده بود، «کِدرُ لَاعُومِر» نام داشته است که نامی عیلامی بوده است (یامایوچی، ۱۳۹۳، ۳۲۴).

شواهد باقی مانده از یک سو، حاکی از گستردگی نقش عظیمی است که دین در زندگی آنها ایفا کرده، و از سویی دیگر نشان‌دهنده تأثیر مذهب عیلامی بر پادشاهان و مردم عیلام است و همچنین نشان می‌دهد که دین عیلام، دارای نقاط مشترک و ویژگی‌های مجزا با دین بین‌النهرین است. به بیانی دیگر، اگر چه دین عیلامی دارای ویژگی‌های مشترک با سنت‌های بین‌النهرینی است، ولی به طور مستمر، هویت مستقل و ویژگی‌های خود را حفظ می‌کند. بخشی از این هویت مستقل به نوعی ستایش غیر معمول از زنانگی جاودانه و ستایش مارها اشاره دارد. مار نماد ثابت تمدن عیلامی بود. حتی سفال‌های هزاره چهارم و سوم قبل از میلاد نیز اشکال پیچیده‌ای از مارها را نشان می‌دهند (جدول ۱۲).

در دین عیلامی، دولت برتر متعلق به یک الهه، بنام «پینیکر» به عنوان الهه آسمان‌ها با قدرت نفرین کردن مردم می‌شناسند، این امر به نوعی مادرسالاری بین معتقدان به این دین اشاره دارد. به دیگر سخن، این

لازم با در نظر داشتن محل استفاده و کاربرد خشت و آجر انتخاب می‌شده است. برای ساخت دروازه‌های شهر و درهای کاخ‌ها و معابد از چوب استفاده می‌کردند. درهای بعضی از معتبرترین ابنیه شهر با چوب‌های. کنده کاری شده و تزیینات شیشه‌ای آراسته می‌شد.

نکته مهم در این زمینه این است که شیوه معماری و شهر سازی عیلامی به حیات خود در دوران هخامنشیان ادامه داد و با حداقل تأثیرپذیری از سبک‌های معماری و شهرسازی تمدن‌های همزمان در میان‌رودان و بعدی همچون هخامنشی، به حیات موازی خود در شهر شوش، به عنوان پایتخت اداری هخامنشیان از زمان داریوش (۴۸۶-۵۲۲ ق.م) به بعد ادامه داد (Boucharlat, 1997: 57). به عنوان مثال می‌توان گفت، از آنجا که ساخت طبقات در چغازنبیل به گونه‌ای است که هر کدام به صورت مستقل از زمین تا بالا ساخته شده، پس می‌توان گفت معماری عیلامی در اصول طراحی و مبانی نظری ساخت (حداقل در معبده سازی) با دیگر سبک‌های معماری (معابد) میان‌رودان تفاوت کلی دارد (جدول ۱۱).

توجه و احترام به آیین، رسوم و سنت‌های دینی و آیینی

از آنجا که عیلامی‌ها به زندگی پس از مرگ اعتقاد داشتند، کشورشان را «هَلْتَمْتی» (به معنی) سرزمین خدا می‌خواندند. همچنین نام عیلام، نیای عیلامیان، در کتاب مقدس یهودیان (تورات: برشیت/ سفر

الهه در باورهای عیلامی، «مادرباوقار همه خدایان عیلامی» بوده است. معبد اصلی او در لیان بوشهر قرار دارد. همچنین خدای خورشید عیلامی به نام «ناهونته» که نامش، اسم محلی خورشید است و به معنای خالق روز است، به عنوان خدای اجرای قوانین، به کار رفته است. «یموت یا شیموت» خدای اصلی عیلامی‌ها، و رسول قدرتمند خدایان در سراسر کشور بود. همسرش «منزت یا منزیت» بود (Fazeli and Masih Rad, 2015, 135 & 137) (شکل ۲).

آیین عیلامی‌ها بیشترین تأثیر را به واسطه زمان طولانی حاکمیت عیلامی‌ها بر ساکنان ایران گذاشت. این روند و تغییر در اقتصاد و سبک زندگی منجر به تجزیه سبک زندگی قبیله‌ای و افزایش سلسله مراتب اجتماعی بر اساس باورهای دینی شد. اگرچه به همین دلیل است که برده‌داری و سنت‌های جامعه سلسله مراتبی در عیلام سریع‌تر از سایر جوامع توسعه یافت و این بخش، از دیدگاه کرامت انسانی، آنگاه که با غیر آزادی همراه باشد، نقطه‌ای منفی است، ولی از آنجا که خدا باوری نیازی درونی در جامعه عیلامی بوده، یک خواسته اجتماعی برای بودن پایگاهی خارج از کش و قوس‌های قدرت سیاسی، در بین عیلامیان، قابل برداشت است. به گونه‌ای که عبادت‌های منظم عیلامی‌ها، غیر از زیارت‌هایشان از تندیس خدایان و شاهان زنده که نمایندگان خدا بوده‌اند، در معابد و زیارتگاه‌هایی انجام می‌گرفته که به وفور در کتیبه‌هایشان ثبت شده است (جدول ۱۳).

از نظر دینی، عیلامی‌ها جهان ارواح را می‌شناسند و خدای بزرگ خود را، خدای مار و آب‌های موج، خدای ملی عیلامی‌ها «اینشوشیناک» نامیده‌اند (صراف، ۱۳۹۳، ۱۳۴-۱۳۶)، اما تنها پادشاهان و بزرگان دینی می‌توانستند مراسم مذهبی این خدا را در پرستش گاهی مختص به او، و در شأن او انجام دهند. شکوه عیلام در زمان سلطنت اوتناش گال همراه با ظهور خدایان جدید است و ۱۳ خدای عیلامی دیگر نیز در آثار باقی مانده از دوران او برای اولین بار نامگذاری شده‌اند (Fazeli and Masih Rad, 2015, 138 & 134). تعهد به پرستش این خدایان، باعث احداث ابنیه و اماکن مذهبی همچون "زیگورات و معابد چغازنبیل «خوزستان»، معابد اینشوشیناک (Inshushinak) یا خدای شوش، نین خورساگ یا «الهه کوهستان» (Ninhursak) و معبد شوتروک

ناهونته دوم (Shutruk-Nahunte II) در آکروپل شوش و معبد هفت تپه در نزدیکی شوش گردید" (صراف، ۱۳۹۷، ۷) (شکل ۳).

با توجه به ادامه یافتن سنت‌های عیلامی در دهه‌های اول حکومت کوروش کبیر و پرستش خدایان عیلامی در شهرهای حکومت‌های پارسی هخامنشیان (پاتس، ۱۳۸۵: ۴۸۰)، می‌توان طول عمر این معابد به نام دورانتاش را چندین سده بعد نیز در نظر گرفت که احتمالاً تغییراتی در ابعاد مختلف کالبدی آنها نیز صورت گرفته است که به دلیل عدم شواهد کافی، نیازمند مطالعه مستقل است. به هر روی، طبق استوانه

نیز مفاهیم مربوط به «آمادگی فرهنگی و علمی» آن برای جذب و استمرار حضور نخبگان و مشاهیر و بالطبع، رفت و آمدهای افراد مرتبط با آنها در بین اقشار و گروه‌های مختلف مردم آن وجود داشته است. به دیگر سخن، بر خلاف تمدن مصر و بین‌النهرین که عمدتاً در حاشیه رودخانه‌ها و کانال‌ها توسعه یافته‌اند، بخش قابل توجهی از تمدن ایران باستان عیلام که در استان‌های ایران امروزی خوزستان و فارس قرار داشت، بر روی رشته‌کوه‌های زاگرس متمرکز بود. چنین موقعیت منحصر به فرد جغرافیایی، موجب تنوع تلفیقی از سنت‌های کوهستان و فلات نشینی است که ارتباط بین موقعیت استقرار شهری با شخصیت فرهنگ عیلامی را مشخص می‌کند (Alvarez-Mon, 2001, 60) (شکل ۴).

به عنوان مثال، آبرسانی از رود کرخه به چغازنبیل از فاصله ۴۵ کیلومتری و با حفر کانال از نمونه‌های زیرساخت سازی عیلامی است. رود دز در عین نزدیکی به چغازنبیل، بواسطه اینکه در برخی مکان‌ها ۶۰ متر پایین‌تر از دشت شوش بوده است، امکان استفاده از آن وجود نداشته است. این آب به واسطه عبور از هفت تپه و دشت خوزستان گل آلود بوده و با ریختن در حوضچه‌های ته نشینی بزرگ و کوچکی و گذر از تنبوشه‌ها، آب را گل جدا و تصفیه می‌کرده است (جدول ۱۴).

عیلامی‌ها با آشنایی مناسبی نسبت به «مدیریت منابع آبی»، دست به اجرای سد، آب بند، آب خیز و آب

حقوق بشر کوروش، از اولین دستورات و اقدامات او پس از فتح پادشاهی بابل و پس از پذیرش حکومت پارسیان توسط حکام وقت شوش، بازگرداندن تندیس‌ها و پیکره‌های خدایان آیینی آنها به معابد و نیایشگاه‌ها بود (Lecoq, 1997: 184; Beaulieu, 1989: 228).

توسعه کالبدی و زیر ساختی

شهر شوش پایتخت تمدن عیلام، ارزش‌های جغرافیایی و شهرشناسانه‌ای دارد که مربوط به قبل از استقرار حاکمیت عیلامیان است. ولی ارزش افزوده معماری و شهرسازی عیلامی بر این بستر و پهنه، باعث شده بود که حتی بعد از حمله وحشیانه آشوربانیپال و تخریب کامل کالبدی آن، تأثیر خود را در حاکمیت‌های بعدی بازیافت. به گونه‌ای که کارهای عمده معماری؛ توسعه و مدیریت سیستم غول‌پیکر کانال‌های زیرزمینی قنات برای آبیاری، اختراعی عیلامی بود که زمین‌های خشک را به زمین کشاورزی تبدیل کرد (Farazmand, 2002, 288). مجموعه این اقدامات موجب «تاب آوری شهری» ای شد که شوش در زمان هخامنشیان، به دلایل متعددی به عنوان پایتخت زمستانی ایشان انتخاب، تا پایان دوران ایران باستان، نقش یک پایگاه اقتصادی، فرهنگی و سیاسی را ادامه داد (گرشویچ، ۱۳۸۷: ۷۳). همین امر نشان‌دهنده این نکته است که در کنار «موقعیت‌یابی استقرار شهری» و وجود زیرساخت‌های طبیعی شهر شوش، از ابعاد اجتماعی

راه زده بودند و این هنر را در طی نسل‌های مختلفی به کمال رسانده بودند. به‌گونه‌ای که در زمان هخامنشیان نیز، این تکامل تدریجی را با حضور مستقیم در فرایندهای مختلف زیر ساخت سازی مثل سدسازی ادامه دادند (ماری کخ، ۱۳۸۳: ۳۱۲). به صورتی که تعمیر، نگهداری و بازسازی این زیر ساخت‌ها در تمامی دوران بعد از عیلامیان نیز دارای ارزش و فایده کافی بوده است. گواه مهم این ادعا درباره «زیرساخت‌های پایدار شهری» را می‌توان در طول حیات این شهر نیز جستجو کرد. به‌گونه‌ای که هیچ برهه‌ای از تاریخ نبوده است که این شهر (حتی بعد از یورش‌های آشوری و شورش‌های عیلامیان در زمان داریوش) بواسطه مشکلات زیر ساختی، از حیات خالی گشته و متروکه شود.

نقش چشم‌گیری که معماران و صنعتگران عیلامی در ساخت ابنیه، مکان‌یابی استقرار شهرها و مهندسی تاسیسات زیر ساختی همچون آب، جاده، معدن و دسترسی‌های مختلف به منابع و مزارع را باید نقطه عطف این مهندسی زیرساخت دانست. همین دانش، تجربه و مهارت‌های مهندسی را به نسل‌های بعد خود منتقل کرده و موجب ایفای نقش مهم ایشان در برپایی کاخ شوش با آن ستون‌های معمارانه، و الهام بخشی، طراحی و ساخت بخش اصلی کاخ آپادانای داریوش در شوش شدند (گیرشمن، ۱۳۷۰: ۱۸۴؛ Nylander, 1974: 319). همچنین، برخی از پژوهشگران معتقدند که توفیق هخامنشیان در ایجاد یک سیستم حکومتی پیچیده و دموکراتیک با

مکانیسم‌های چند نهادی کنترل و توازن قدرت و منابع و مسئولیت‌ها با رویکرد عدالت، از حضور مستقیم (انتصاب در سمت‌های اجرایی) و غیر مستقیم (ایده‌های مدیریتی) عیلامی‌ها بوده به‌گونه‌ای که موجب توفیق ایشان در تعریف و انجام پروژه‌های عمومی عظیمی مانند ساخت کانال سوئز در مصر و کانال آتوسا در اروپا شده است (Farazmand, 2002, 282).

ساختار یافتگی جامعه مبتنی بر عدالت و سرمایه اجتماعی

اگر چه مفهوم سرمایه اجتماعی در طی قرن ۲۰م تا بحال مورد تعریف و تدقیق قرار گرفته است ولی بر اساس جمع بندی تعاریف موجود پیرامون آن، می‌توان گفت برخی از پژوهشگران معتقدند که ریشه طرح شدن سرمایه اجتماعی در تعاریفی همچون «نظم، صلح و عمل اخلاقی» یا به تعبیری دیگر، «اخلاق جامعه» توسط سقراط و مفهوم «جمهوری» که برآمده از همین عوامل باشد، توسط شاگردان او همچون افلاطون وجود دارد (مهرگان و دلیری، ۱۳۸۹: ۵۲). در عمل نیز می‌توان گفت از لحاظ مفهومی، مقوله «سرمایه اجتماعی» سابقه‌ای به قدمت شکل‌گیری یکجانشینی بشر دارد. یعنی نیاز انسان‌ها به توانایی و تولیدات یکدیگر عامل اصلی در شکل‌گیری روابط اجتماعی و مشارکت جمعی، از نوع «همبستگی» بوده و هست. در طول تاریخ و با شکل‌گیری و گسترش این اجتماعات، فرایندهای

تایید مورخینی همچون هرودوت نیز قرار گرفته و موجب سهولت برپایی تمدن ایشان نیز گشته است (آمی، ۱۳۴۹: ۷۳).

حتی نام و نسب کوروش کبیر (۵۳۰-۵۵۹ ق.م) را نیز آریایی ندانسته و از ریشه عیلامی می‌دانند. زیرا «انسان»، یکی از ایالت‌های مهم عیلام باستان بوده و پادشاهان عیلامی ازسال‌های آغازین هزاره دوم، دارای لقب «پادشاه انسان» نیز بوده‌اند و کوروش کبیر در کتیبه‌ها و متن‌های مکشوفه متعدد به زبان عیلامی از تخت جمشید (شهر داریوش) مربوط به اوایل تاسیس سلسه هخامنشیان است، خود را پادشاه انسان می‌نامید (بریان، ۱۳۷۷: ۷۴؛ گرشویچ، ۱۳۸۷: ۸۷؛ پاتس، ۱۳۸۵: ۴۸۱؛ Beaulieu, 2005:2; Pots, 1997: 107; Lecoq, 1989: 231).

از دید «باستان‌شناسی اجتماعی» به نظر می‌رسد که، سرمایه اجتماعی دروان عیلامیان بر اساس «ثبات حکومتی و تثبیت ارزش‌های اجتماعی»، منجر به ایجاد «هویت بین نسلی و فرا قومیتی» شده است که خود را در دوره‌های بعدی همچون هخامنشیان در مهرها و شمایل‌نگاری‌های اجتماعات عیلامی در دوره کوروش اول نمایان می‌کند. به‌گونه‌ای که این دوران را شاید بیش از آنکه آغاز سلسه هخامنشی بدانیم، باید ایجاد و استمرار فرهنگ نوعیلامی بدانیم. مثلاً مهر کوروش اول، از جهت شکل، آشکارا نوعی مهر نوعیلامی محسوب می‌شود (بریان، ۱۳۷۷: ۸۲). همین «پایگاه اجتماعی» قوی حاکمیت‌های عیلامی در بین مردم سرزمین‌های تحت حاکمیت ایشان،

تعاملی مورد نیاز انسان اجتماعی، موجب شکل‌گیری «روابط اجتماع» گردیده است.

سرمایه اجتماعی توسط عوامل متعددی از جمله «انسجام، همیاری و مشارکت اجتماعی» که خود این عوامل بر آمده از روابط اجتماعی متقابل افراد هستند، تشکیل شده است. نقطه آغازین و عامل استمرار این عوامل و روابط، مفهوم «اعتماد اجتماعی» است. به نظر می‌رسد سرمایه اجتماعی در حاکمیت عیلامی‌ها علیرغم تغییرات ذاتی در بین حاکمان اصلی و منطقه‌ای و محلی، به‌گونه‌ای ساختاری ایجاد و پیاده سازی شده که یکی از عوامل استمرار طولانی مدت این حاکمیت بدون جنگ داخلی بوده است. همچنین، این ساختار یافتگی، پذیرش فرهنگ و اقوام مختلف را برای این تمدن شدنی‌تر و کم هزینه‌تر کرده است.

مثلاً می‌توان چنین امری را از برداشت‌های تاریخ‌شناسانی که معتقدند که هنرمندان و صنعت‌گران پارسی که بعدها حاکمیت هخامنشی را ایجاد کردند، در زمان عیلامی‌ها با پذیرش خوبی مواجه شدند و ضمن اقامت و تابعیت در این سرزمین، شاخه‌خاندان سلطنتی هخامنشیان را در تشکیلات عیلامیان ایجاد و گسترش داده‌اند. این ظرفیت بالای فرهنگی و آداب و رسوم اجتماعی که به «شیوه تفکر» و «شیوه زندگی» ایشان مربوط بوده است، به جمعیت و قوم پارسیان که بخشی از جامعه عیلامی شده بودند تیز سرایت کرده است. به‌گونه‌ای که همین «خوگیری اجتماعی» که در نسل‌های هخامنشیان منتقل شده است، مورد

باعث شده بود که داریوش بعد از غصب حکومت، برای منتسب کردن خود به خاندان هخامنشی، ضمن پذیرش وجود شاهان قبلی از جمله کوروش هخامنشی، به جد مشترک خود ساخته‌ای اشاره کند که در حقیقت هخامنش و پدر کورش و کمبوجیه است (بروسیوس، ۱۳۸۷: ۲۵). زیرا جایگاه و پایگاه اجتماعی هخامنشیان در بین سایر اقوام پر نفوذ خصوصاً عیلامی‌ها، مانعی برای بروز اختلاف و سهم‌خواهی و تفرقه بود. همچنین موجب جلب همکاری در ایجاد و استمرار حاکمیت و در اصطلاح «حاکمیت مردم سالار و مشارکتی» او بر اساس تصور عمومی مردم نسبت به اصل و نسب او می‌شد.

حاکمیت منسجم و مردم سالار

در حین استقرار هدفمند عیلامیان در سرزمین‌های زاگرس تا جنوب ایران، می‌توان گفت که نخستین سازمان‌های اداری - حکومتی منسجم و متمرکز در فلات ایران بر اثر عواملی همچون رونق تجارت، رشد شهرنشینی و پدیدآمدن تعاملات فرهنگی، مذهبی و سیاسی بین تمدن‌ها و جوامع پیرامونی آن، توسط عیلامی‌ها شکل گرفته است. برای مثال، به غیر از شوش، می‌توان به دیگر شهرهای عیلامی همچون انشان، هفت تپه و چغامیش اشاره کرد که دارای شعبی از ساختارهای حاکمیتی - دولتی بوده‌اند. توانایی کشورداری حاکمیت‌های سلسله‌وار عیلامی، برآمده از توان «در کنار هم نگه داشتن» مناطق مختلف تحت یک دولت هماهنگ بود، زیرا کشیدگی

شمالی جنوبی پراکنش سرزمینی در حاکمیت ایشان و به پهناوری دشت خوزستان تا شمال دریاچه ارومیه فعلی، خود چالشی جغرافیایی محسوب می‌شد که با مدیریت عیلامی‌ها، تبدیل به فرصتی «جغرافیایی - سیاسی - اجتماعی» شد. به صورتی که این فرصت آفرینی از چالش‌های ژئوپلیتیکی، امکان تبادل حداکثری منابع طبیعی منحصر به فرد برای هر منطقه را فراهم می‌کرده و قدرت و صلابت حاکمیت عیلامی‌ها، بجای قدرت گرایی، برپایه «اقتدارگرایی» بود.

به دیگر سخن می‌توان گفت که بر خلاف دولت‌شهر سومر، امپراتوری عیلام در مقیاس وسیع تشکیل و اداره می‌شد و بر قلمرو وسیعی شامل ایران کنونی، منطقه دریای خزر، افغانستان و بخش عمده‌ای از خاور نزدیک از جمله بابل و آشور حکومت می‌کرد. عیلامی‌ها به احتمال زیاد اولین کسانی در تاریخ بودند که مفهوم «نظام فدرال» در زمینه حکومت و اداره آن را پذیرفتند. بنابراین اولین عمل فدرالیسم و روابط بین دولتی را با ایجاد فدراسیون پنج پادشاهی بزرگ (تحت فرمانروایی پادشاه عیلامی) با ساختار اداری توسعه یافته که اعضای فدرال را متحد نگه می‌داشت، را ایجاد کردند (Farazmand, 2002).

ولی از آن زمان به بعد، تمرکز قدرت و تصمیم به شاه عیلام منتقل شد و به تنهایی و بدون دو مقام دیگر حکومت می‌کرد. باید توجه داشت که به‌ارث بردن مقام شاهنشاهی در عیلام، بواسط عوامل زیادی از جمله مذهبی و فرهنگی، تابع تبار مادری بوده است

برادران مرده بودند، شاهزاده شوش به نایب‌السلطنه منصوب می‌شد و به این ترتیب، پادشاه این امکان را فراهم می‌کرد تا ضمن چرخش قدرت در بالادست، میان برادران، «کاهش رقابت‌های خاناندانی» فراهم گشته و در عین حال، اداره امور کشور، خللی را بخاطر تعویض پسر (یا برادرزاده) پادشاه به عنوان شاهزاده شوش، متحمل نگردد. چنین سیستم پیچیده‌ای از کنترل، توازن و موروثی کردن قدرت، علیرغم تبار و نسب‌های دوجانبه که حاصل ازدواج اجباری (یعنی ازدواج اجباری زن بیوه با برادر شوهر متوفی خود) بود، تنها در دوره‌های میانی و نوعیلام بود که توانست به هدف خود درجانشین کردن پسران بجای پدران مآثر افتد.

این در حالی است که در دوره عیلام میانه، به نظر می‌رسد که نظام قدیمی جانشینی و توزیع قدرت منطقه‌گرایی متعادل شده با فدرالیسم از بین رفته، و پسر به طور فزاینده‌ای جانشین پدر شد. چنین امری، اگرچه احتمالاً نشان‌دهنده تلاش برای افزایش اقتدار مرکزی در شوش به منظور انجام لشکرکشی‌های مؤثر در خارج از کشور و دستیابی به فتوحات خارجی عیلامی است، ولی در عمل، موجبات نزاع‌های قومی و مقطعی در قرن‌های ۱۳ و ۱۲ ق.م، برای کاهش تمرکز قدرت در شوش که عیلام را در دوره نوعیلام بسیار ضعیف کرد را فراهم کرد.

علاوه بر این، هر نوع حاکمیتی فارغ از نوع تقسیم قدرت سیاسی، برای اداره امور و در اصطلاح برای کشور داری، نیاز به ساختاری اداری دارد. میزان

و نه پدری (دیاکونوف، ۱۳۸۷: ۳۰). به دیگر سخن، جامعه شوش و سایر شهرهای مهم عیلام تا هزاره سوم ق.م، متأثر از یکسری اصول اجتماعی - سیاسی از مدارسالاری بوده که در طی زمان در هزاره دوم به هزاره اول ق.م، جامعه در حال تغییر موضع از مدارسالاری به ایلخانی و در حقیقت، پدر سالاری بوده است (Alizadeh and Jabari, 2017). اگر چه شواهد نشان‌دهنده باقی‌ماندن برخی از اصول مدارسالاری در این دوران هست، ولی جایگاه و نفوذ این امر، رو به کم‌رنگ‌تر شدن بوده است (Fazeli and Masih Rad, 2015, 135).

نکته بسیار مهم، ارتباط این نظام موروثی توزیع قدرت سیاسی با نوع حکومت فدرالی ایشان است. الگوی عادی حکومت، تا قبل از سده ۱۲ ق.م، به صورت الگوی یک پادشاه بود که بر شاهزادگان دست‌نشانده حکومت می‌کرد. به دیگر سخن، حکومت سه نفره (شاه و دو زمام‌دار مقتدر دیگر که مرئوس شاه بودند و غالباً برادر جوان‌تر به عنوان اولین نایب‌السلطنه و پسر شاه، یا اگر پسری در دسترس نبود، برادرزاده به عنوان نایب‌السلطنه دوم و حاکم شوش) بوده است (میرسعیدی، ۱۳۹۰: ۱۹۳). پادشاه در شوش (به عنوان پایتخت فدرال) زیست و عمل می‌کرده است.

پس از مرگ شاه، نایب‌السلطنه به پادشاهی، و شاهزاده شوش در سمت خود باقی ماند. زیرا برادر نایب‌السلطنه قدیمی که از نظر سنی نزدیک به او بود نایب‌السلطنه جدید می‌شد. تنها در صورتی که همه

اداری پارسی را پذیرفته‌اند و قابل ردیابی است (Farazmand, 2002, 281). به نظر می‌رسد، ساختار حکومتی هخامنشیان به پیروی و مشاوره عیلامی‌های حاضر در آن، دارای ساختارهای دولتی و حاکمیتی جداگانه‌ای بوده است. به گونه‌ای که به نظر می‌رسد عیلامی‌هایی که پس از واپسین شورش‌ها علیه هخامنشی‌ها، جزئی از قلمرو داریوش و یکی از ساتراپ‌های هخامنشی شدند، تمدن هخامنشیان را از طریق انتقال آداب، رسوم و شیوه‌های فکر و زندگی شان و به وسیله خط و زبان عیلامی به کارگیری شده در کارهای اداری و بایگانی اسناد هخامنشیان، به شدت تحت تأثیر فرهنگ و تمدن خود قرار داده‌اند. این انتقال فرهنگی توسط به کارگیری دبیران، منشیان و کارگزاران اداری و نویسندگان عیلامی در ساختار اداری هخامنشیان صورت گرفته است. همچنین، این مسئله را می‌توان از حدود ۴۵۰۰ لوحه به خط عیلامی، مکشوفه در تخت جمشید که حدود ۱۰٪ از کلمات آنها دارای ریشه عیلامی بوده و همچنین برای تشریفات درباری، قوانینی به مهر عیلامی رئیس این بخش معین کرده، دریافت (ماری کخ، ۱۳۸۳: ۴۷؛ پاتس، ۱۳۸۵: ۴۹۶-۴۹۷). زیرا اصولاً تشریفات و مسائل دربارداری، در حوزه مسائل اجرایی و دولت داری است و حاکمیت‌های عیلامی با استفاده از ساختار پایدار و موروثی، توانسته‌اند بدون تحمیل خواست خود به ملت، با تغییرات مستمر در بدنه اجرایی دولت‌داری خود، پاسخگویی به خواست مردم را نیز ایجاد کنند.

موفقیت و ماثربودن این ساختار در برآورده ساختن نیازهای اجتماع، رابطه مستقیمی با «رضایت مندی اجتماعی و سرمایه اجتماعی» آن حاکمیت دارد. در زمان عیلامیان نیز، تجربه‌های زیادی در این زمینه ایجاد شده بود که موجب حدود ۲۶۶۱ سال حاکمیت ایشان با کمترین میزان آثار شورش ثبت شده یا کشف شده، از آغاز دوره پیشاعیلامی تا پایان دوره عیلام نو شده بود. همین دانش سیاسی و ساختارهای اداری و مهارت‌های نهادینه شده در اقشار مختلف منشیان، کاتبان و مدیران عیلامی باعث شد که در «کارایی ساختارهای حکومتی» هخامنشیان به صورت گسترده مورد استفاده قرار گیرند. به دیگر سخن، این رضایت عمومی را در توانایی عیلامی‌ها در تنظیم روابط بین دولتی بین اعضای فدرال بوسیله تنظیم قوانین و احکام اداری متعدد و شکوفایی مدیریت عمومی می‌توان یافت (Frye, 1993).

با دیدگاه جغرافیای سیاسی نیز، ایران به عنوان پل زمینی بین شرق و غرب، تمدن‌های غربی را از نابودی برخی از وحشی‌ترین نیروهای شرق نجات داد و سنت‌های غنی و قدرتمند مدیریت و حکمرانی دولتی را پرورش داد که نه تنها در سلسله‌های عیلامی، بیش از دو هزار سال دنبال شد بلکه تقریباً بر همه امپراتوری‌ها و دولت‌های ایرانی بعدی تأثیر چشمگیری داشته است. میراث ایرانی را نه تنها در کل خاورمیانه، بلکه در کشورهای غربی که در طول زمان به طور مستقیم و غیرمستقیم که توسط رومیان و قرون وسطی به آنها منتقل شده است، اصول نظام

پیشرفت‌های نظامی

واژه عیلام برای اولین بار بر روی کتیبه سومری متعلق به پادشاه اسطوره‌ای سلسله اول کیش به نام «آنبارگیسی»، برای گزارش نبردهای خود با عیلامی‌ها و سلاح‌های زیادی که به دست آورد آمده است (Fazeli and Masih Rad, 2015, 134). به دلایل زیادی می‌توان ظهور سلسله هخامنشیان و انجام فتوحات آنان را در میراث داری از ابزار، شیوه (تکنیک) و روش (تاکتیک) های عیلامی (شوشی) تکامل و توسعه بخشی به آنها به خصوص در زمینه‌های نظامی دانست. همچنین «حکومت داری» منسجم عیلامیان که خود را در ایجاد سپاه مقتدر و مقاوم در برابر حملات متعدد آشوریان نشان داده بود، آموزه‌های زیادی را برای ایجاد ارتشی مجهز و تعلیم یافته در زمان هخامنشیان داشت. به‌گونه‌ای که مورخان، علل شکست ملت‌های پیش روی هخامنشیان را، جنگ‌های کوتاهی می‌دانند که به خاطر اقتدار سپاه هخامنشی و سیاست‌های دعوت به ترک مخاصمه ایشان به وقوع پیوسته بود (شکل ۵). به دیگر سخن، «جنگ حداقلی و فتح حداکثری»، از روش‌های «مهندسی ارزش و نظام سود و زیان» است که کاهش تنازع و عدم ایجاد کدورت و ایجاد زمینه پذیرش قوای پارسی توسط ملل دیگر بوده است. آموختن این فنون در فرایندی طولانی و زمان بر و حاصل هم زیستی و ارتباطات عمیق پارسیان با حکومت عیلامیان بوده که موجب تبادل دو سوبه‌ای نیز بوده است (بریان، ۱۳۷۷: ۸۲).

همین روحیه حتی در آخرین اقوام کوه‌نشین عیلامی به نام اوکسی‌ها که تا پایان دوران هخامنشیان به حیات خود در ارتفاعات جنوب غربی ایران (کوهستانی بین بهبهان و تخت جمشید) ادامه دادند، باعث شد بجای جنگ در موقعیت نظامی برتر خود با سپاه اسکندر (موقعیتی که بر جاده شوش به تخت جمشید مسلط بود (Hinz, 1972, 22))، به وعده او برای دادن حق عبور از گردنه آن سرزمین همچون حق عبور دادن پارسیان (هخامنشیان)، اعتماد کردند، که البته مورد حمله و نابودی سپاه اسکندر قرار گرفتند (بریان، ۱۳۸۶: ۱۵-۱۸). در نقطه مقابل، می‌توان رویکرد داریوش که بر خلاف کوروش عمل کرد، مشاهده نمود. انشان و به صورت کلی عیلام در زمان کوروش، منشاء وحدت سایر ملل تحت حکومت پارسیان بودند. به‌گونه‌ای که بعد از جایگزینی خانواده پارسی بجای خانواده انشانی کوروش توسط داریوش، اولین قومی که به مخالفت و شورش‌های متعدد دست زدند، همین اقوام عیلامی به رهبری آسرینا (ACRINA) در ۵۲۲ ق.م و سال بعد به رهبری مرتیا (Martiya) و دو سال بعد به رهبری آت مَیتا (Atamaita) بودند که همگی توسط داریوش سرکوب شدند (Schmidt, 1990: 303; Kent, 1953:320; Zadok, 1976:213; Pots, 2005: 2). به هر روی، حرکت نظامی مردم عیلام، آرمان‌آفرین و الگوبخش سایر اقوام پیوست شده به حاکمیت پارسیان شد و «پیشینه قومیتی و سابقه عقلانیت» آنان در بین سایر اقوام، موجب پذیرش این گفتمان و برپایی اعتراض‌هایی در بابل، به رهبری

(NIDINTU - BEL) و فرورتیش دومین پادشاه ماد شد. تکرار این حرکات تقابل‌جویانه با محوریت شوش، نشان‌دهنده همین پشتوانه رزمی قوی در انشان و بخش‌های دیگر عیلام باعث شده بود که داریوش برای تسلط کامل بر بخش‌های حاکمیتی عیلام، بارها اقدام نظامی کند و شوش که تا زمان داریوش کاملاً عیلامی باقی مانده بود (بریان، ۱۳۷۷: ۲۹۰)، در کش و قوس‌های نظامی فراوان قرار گیرد. بر اساس بررسی تطبیقی بین تصویر نقش‌برجسته عیلامیان در دوره آشور نو با سربازان پارسی در کاخ و مقبره‌های دوره هخامنش در نقش رستم و تخت جمشید، می‌توان فرضیه پیروی کامل پارسیان از عیلامیان و حضور عیلامیان در جایگاه‌های مختلف از سرباز ارشد، استاد آموزش‌های نظامی و امیر تصمیم‌گیر در رده‌های بالای لشکر ایشان را مطرح کرد (اقتباس از: پاتس، ۱۳۸۵: ۵۲۶ و ۵۳۰؛ Calmeyer, 1988: 27 – 49; Bittner, 1987: 135). مثلاً از جنبه نماد، نوع پوشش ردا مانند با نقوش عیلامی - پارسی، آرایش مو و ریش‌های گرد مرتب شده، کلاه برآمده و جنگ افزار فردی مثل تیر، تیردان و کمان خنجر عیلامی است، می‌توان شباهت‌های بارزی بین آنها یافت.

دستگاه قضایی مستقل

نظام اجتماعی خاص عیلامیان که مبتنی بر اعتماد اجتماعی بالایی بود، موجب شده بود که نظام قضایی عیلام بر اساس تنفیذ شفاهی قانون، از قرن‌ها قبل از

ایشان، با اعتباری برابر با شیوه‌های مکتوب رایج در بابل، به اجرا درآید (هیتس، ۱۳۸۹، ۱۱۹). به عنوان مثال، ارزش قسم یاد کردن در محاکم عیلامی جایگاهی داشته که معادل با روح واقعیت در کالبد قانون بوده است، به‌صورتی که قسم یاد کردن در محاکم، رویه‌ای با ارزش و متنفذتر از شهادت شاهدان کثیر (پرونده‌های کثیر الشاهد) در سراسر حاکمیت عیلامی بوده است (Sassoon, 2005, 47-). (48).

در ادامه می‌توان رد پای روحیات اجتماعی بسیار قوی عیلامی را در یافت نشدن واژه‌ها و معماری نشان‌دهنده حبس و زندان در فرهنگ و معماری عیلام باستان، در کشفیات موجود دید از طرفی مجازات‌های سنگین برای جرم‌های با وجه اخلاقی و اجتماعی در نظر گرفته شده است که بر اساس سنگینی آن، پیشگیری از وقوع جرم بالایی را داشته است. به عنوان مثال مرگ برای جعل (کوهستانی و قاسم‌نژاد، ۱۳۹۶، ۲۲)، بریدن زبان و دست یا غرق شدن در آب رودخانه برای شهادت دروغ (حسینی، ۱۳۹۰، ۸۶) از مرگبارترین آنها بوده است (جدول ۱۵).

به هر روی، ساختار دستگاه قضایی عیلامی، بسیار پیشرفته بوده است. به‌گونه‌ای که چندلایه و مبتنی بر اصولی همچون شدت و حوزه نفوذ جرم، حساسیت‌های اجتماعی و وجهی فرهنگی - مذهبی جرم، بازدارندگی مجازات‌ها و بهره‌گیری از شور و مشورت در تصمیم‌گیری‌ها بوده است. بر همین

ستوندار شده است. از سویی دیگر، پیشرفت‌های مختلف جامعه عیلامی، پایه‌ای در پذیرش پادشاه از جانب مردم به عنوان، نه تنها مدیر حکومت، بلکه مأمور از سمت خدا که دارای موقعیت مذهبی و در عین حال از جایگاه برتر در دستگاه‌های اداری و قضایی، فرمانده لشکر و در نهایت مأمور اهدای بخش عمده ای از غنایم به معبد (خانه خدا) بوده است. می‌توان گفت، ترکیب دین و سیاست به عنوان دو عنصر یکپارچه در اداره و قوام بخشی به امور کشور و ارتش عیلامی، فارغ از انتصابات افراد در بدنه اجرایی و تغییر در حاکمیت‌های عیلامی، بر اساس پذیرش دینی و الهی بودن پادشاه و سلطنت او بوده است (Fazeli and Masih Rad, 2015, 136). به گونه‌ای که خدمات متقابل بین این دو نهاد دینی - سیاسی در عیلام باستان برقرار گشته است. پس می‌توان گفت که دوران حاکمیت عیلامی‌ها، تبدلات فرهنگی، رشد روحانیت و معنویت، و در نهایت، محوریت ارزش‌های اجتماعی در فضایی فراحکومتی، به حیات خود ادامه داده است و تغییرات ناشی از جنگ‌ها، ترکیب اقوام و نسل‌های چند رگه ناشی از آمیختگی خزانه ژنی عیلامی‌ها با مهاجمین پیروز شده یا مدافعین شکست خورده، تغییر حدود سیاسی و جغرافیایی حاکمیت‌ها و مسائلی از این دست، نتوانسته بر روح فرهنگ دوست حاکمیت‌های ایشان غلبه کند. چنین میراث عظیمی از حاکمیت عیلامی‌ها، مهم‌ترین پایه و اساس پذیرش هژمونی فرهنگی ایشان در ایران باستان

اساس، در عیلام باستان دادگاه استیناف به ریاست وزرای اعظم استانی که دولت‌های محلی شاهزادگان استان‌های مختلف بودند به کمک یک قاضی بوده است. ولی در جایگاه‌های تخصصی‌تری همچون دادگاه بدوی، این صرفاً قاضیان بودند که رأی می‌دادند. در زمینه مشروعیت نظام قضایی نیز باید گفت که قانونگذار که احتمالاً عالی‌رتبه‌ترین فرد منصوب از طرف شاه در امور قضایی بوده، در نظر اجتماع عیلامی، متجدد و هم سوی با خدای عیلام بوده است (Labat, 1975).

یافته‌ها

شکل‌گیری پیشرفت در عرصه‌های مختلف یک تمدن، حاصل قرن‌های متمادی از حاکمیت‌هایی است که هدف‌گذاری آنها، «جامعه متشکل، فرهنگ ساختار یافته و ارزش محوری تمدنی» باشد. زیرا سایر پیشرفت‌های یک ملت را چارچوب دهی، معنی بخشی و هدفمند می‌کند. به عنوان مثال حتی در یک زمینه مهندسی همچون به‌کارگیری عنصری همچون ستون در طراحی و ساخت ابنیه، با توجه به آثار مکشوفه در «تپه ملیان» در نزدیکی فارس، مشخص شده که سابقه کاربرد ستون در معماری ایران، شش هزار سال پیش است. حال آنکه سیر تکامل این امر بعد از چهار هزار سال، در بنای دژ حسنلو (معبد عیلامی در سده نهم پیش از میلاد)، موجب شکل‌دهی به فضایی همچون تالارها، اتاق‌ها، دهلیزها، حیاط با سبک معماری تالارهای بزرگ و

نمی‌توان با صرف محدود دانستن این جامعه به رفاه اجتماعی و اقتصادی برآمده از موقعیت‌های جغرافیایی - اقتصادی ناشی از پیوند دره و فلات (شوشون و انشان) تحلیل کرد. بلکه باید گفت که در پیشرفت تمدن و فرهنگ عیلام، ظرفیت‌های دورنی بوده که از مزیت همجواری با دشت‌های غربی بین‌النهرین، مرکزی و شرقی فلات ایران برای ایجاد زیرساخت‌های توسعه فرهنگی خود بهره برده است. می‌توان گفت که در این راستا تکنیک‌های متعددی در مهندسی اجتماعی جامعه عیلامی به کار رفته است. به صورتی که بدنه و ساختار کلی جامعه عیلام را هم‌افزا و سازمان‌یافته در جهت توسعه پایدار مبتنی بر عدالت و آموزش، پیش می‌برده است. به‌گونه‌ای که حتی در دولت هخامنشیان نیز پیگیر همین ساختار بودند و با قانع کردن سران هخامنشی، را با تأکید بر نظام‌های شایسته‌سالار دولتی، دانشکده‌های آموزشی را بر مبنای تجربه‌های آموزشگاه‌های خط‌نگاری و کتیبه‌سازی خود، تاسیس کردند که پایه‌گذار ساختار اداری حرفه‌ای و پیشرفته‌ای حتی مبتنی بر شاخص‌های امروزی بود. برخی پژوهشگران توفیقات نظام جاکمیتی هخامنشی در ایجاد بزرگ‌ترین نظام مدیریتی باستان را، حضور مستقیم عبلا میان در دستگاه اداری ایشان، و فرصت دادن به ایده‌های حاکمیتی ایشان می‌دانند. برخی از پژوهشگران معتقدند که این میراث با وجود قرن‌ها هجوم و نفوذ بیگانگان به ایران، امروزه نیز زنده است و ایرانیان همواره راه‌هایی برای بازیابی و تداوم

است. به‌گونه‌ای که فرهنگ پذیری و فرهنگ‌سازی ایشان، در حاکمیت‌های بعدی، خصوصاً هخامنشیان نیز ادامه دار بوده، که خود پژوهشی مستقل را می‌طلبد.

قدرت ساختار حاکمیت عیلامی، نه فقط در زمینه تقسیم قدرت بین مناطق و اقوام، بلکه مبتنی بر توانایی نگه داشتن این مناطق مختلف تحت یک دولت هماهنگ فدرالی بود که امکان تبادل حداکثری منابع (طبیعی، انسانی، اقتصادی، غذایی) راه به شیوه منحصر به فردی برای هر منطقه، فرا هم می‌کرد. به‌گونه‌ای بخشی از این حاکمیت بودن را بر تشکیل دولت محلی ترجیح می‌دادند. همین شیوه حکومت مبتنی بر اقتدار به جای قدرت، موجب کاهش رقابت‌های خاندانی، شورش‌های درونی و کودتاهای سیاسی شده بود. در فضایی این‌چنینی، دانش در انواع مختلف آن در بین اقشار مختلف جامعه عیلامی پخش شده بود. برخی مهارت‌های ساخت، برخی مهارت‌های کشاورزی و دامپروری، برخی کتابت و تجارت، برخی ریسندگی و بافندگی و....

مجموعه این ساختار یافتگی اجتماعی را می‌توان موجب توسعه آموزش و عدالت محوری دانست که جامعه‌ای مبتنی بر تقسیم کار و اولویت دهنده به جایگاه عملکردی افراد دانست. به‌گونه‌ای که اقوام مختلف این جامعه را از تلاش برای رقابت‌های سطح بالای قدرت در خاندان گرفته تا مناسب خرده پای برای کسب قدرت، یا تلاش برای سرنگونی شاهان موجود، دور می‌کرده است. چنین قوام اجتماعی را

استفاده از یک سیستم حقوقی پیشرفته: حقوق جزای عیلامی، قانون مدنی و حقوق اداری نشده است. به‌گونه‌ای که پژوهشگران معتقدند که در شهرها، فعالیت‌های پر رونقی حاکم بوده که در کنار روستاها، انواع حرفه‌ها شکوفا شده و گواه روشنی از تنوع و قشربندی حرفه‌ها و مشاغل و در نتیجه اقشار اجتماعی در عیلام باستان دارد (Edwards et al., 2007, 680).

نتیجه‌گیری

بر اساس نتایج این پژوهش می‌توان گفت که ویژگی‌هایی که منجر به ظهور دولت یا سازمان‌ها در جامعه عیلامی شده است، در چارچوب تکامل اجتماعی که از حداقل هزاره چهارم ق.م و حداقل حوزه تمدنی شکل گرفته شده در شوش، سازماندهی شده است. این تکامل اجتماعی حداقل شامل مراحل شکل‌گیری یکجا نشینی و پراکندگی جمعیت گسترده در دشت‌های خوزستان و خصوصاً اطراف شوش، بوده که الگوهای سکونتگاهی و تراکم جمعیتی خاص توسط پژوهشگران برای آن پیدا شده است. مرحله بعدی، در زمینه تخصصی شدن حلقه تولید و چرخه توزیع مواد خام خارج و داخل سرزمین، همچنین مواد غذایی به کمک پیشرفت صنعت سفال‌سازی، جاده و زیرساخت سازی، و نهایتاً فلزکاری بوده است. به بیانی دیگر، افزایش جمعیتی و پراکندگی استقرار محیطی باعث افزایش تقاضا برای کالاها و مواد غذایی در عیلام باستان شده که

سنت‌های گذشته و شخصیت ملی استقلال یافته‌اند (Farazmand, 2002, 281-282).

بحث و تحلیل

کهن پهنه ایران، به عنوان یک محدوده جغرافیایی باستانی، با تلقی‌های گوناگونی مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. اگرچه در حال حاضر، مرزهای مشخص بین‌المللی مطرح هستند ولی حوزه تمدنی و کانون نفوذ فرهنگی، هنری و تمدنی ایران، از مرزهای موجود فراتر بوده و بخشی از کشورهای همسایه را نیز در برمی‌گیرد. وجوه مختلف تمدن ایرانی، در فرهنگ، هنر و معماری، ادبیات، سیاست و نظام‌های حاکمیتی و حتی حقوقی نشان‌دهنده فرهنگ غنی و شگفتی آفرین است. بر همین اساس است که آشنایی با تمدن‌های باستانی و حوزه‌های فرهنگی این کهن پهنه، شاید از ضروری‌ترین دانسته‌های جامعه معاصر ایران محسوب شود. چرا که هنر، آیین تمام نما و زبان گویایی از هویت فرهنگی هر جامعه‌ای است.

«فرصت‌های آفرینی» های محدودی که تمدن عیلام از دل چالش‌های همیشگی خود درباره همسایگان جنگ افروز، گسترده‌گی سرزمینی، تنوع قومی و مسائلی از این دست داشته است، موجب جلوگیری از پیشرفت‌های ایشان در زمینه‌های ساخت و نگهداری بسیاری از ابنیه عمومی و زیرساخت‌هایی مانند جاده‌ها، پل‌ها، شهرها و شهرک‌ها، مراکز ارتباطی و مراکز اقتصادی و تجاری. و توسعه و

به نوبه خود منجر به تخصص در کار و تولید شده است.

فرض بر این است که در پاسخ به این افزایش تقاضاهای مصرف‌کنندگی و خواسته‌های اجتماعی، جامعه عیلامی شروع به تخصص‌گرایی در تولید انواع خاصی از کالاها و خدمات کرده که توزیع آنها توسط سیستم اداری - اجرایی سازمان یافته توسط سلسله مراتب مدیریت می‌شده است. پس می‌توان گفت مرحله سوم ایجاد هژمونی تمدنی عیلام را می‌توان در نگاه حکومت ایشان برای غلبه بر تهدیدات سیاسی، نظامی از طریق پایدار سازی رشد اجتماعی با ایجاد فرهنگ اجتماعی در زمینه تفکیک عوامل اجرایی (سازمان‌های دولتی) از حاکمیت مردم سالار ایشان، و گسترش این آموزش‌های فرهنگ سازانه با نخبگان حاضر در ساختار حاکمیت و دولت‌های آنها دانست.

بر اساس تأییدات پژوهش‌های مشابه و کلان پژوهشی حاضر، رویکرد باستان‌شناسی اجتماعی، نشان‌دهنده این است که فرهنگ دوران ماد، هخامنشی و ساسانی، بر چند وجه از تمدن کهن عیلامی‌ها استوار است. به دیگر سخن، پادشاهی عیلامی، بعدها هسته اصلی امپراتوری‌های ایران شد. البته از آنجا که ایجاد یک تمدن با این حد از پیشرفت در جنبه‌های مختلف، نمی‌توانسته از بدویت شکل گرفته باشد، بعید است که تمدن اصیلی در پیشاعیلام وجود نداشته باشد. چنین ادعایی بر اساس کاوش‌های اخیر در محوطه جیرفت کرمان و کشف

کتیبه‌های آجری منقش به خط نشانه‌ای پیشاعیلامی در کنار سازه‌های معماری همچون زیگورات عظیمی از عصر باستان، نشانی از یک تمدن پیشرفته، حکومت ساختار یافته و نظام اقتصادی قوی محسوب می‌شود.

منابع

- ابراهیمی پور فرسنگی، مریم، نادعلیان، احمد. (۱۳۹۱). بازتاب باورهای مرتبط با آب در آثار هنری ایلامیان. نگره، ۷(۲۱)، ۸۵-۹۴.
- افشارسیستانی، ایرج. (۱۳۷۳). ایلام و تمدن دیرینه آن. تهران: طبع و نشر.
- آمیه، پیر. (۱۳۹۶). تاریخ عیلام. چاپ ششم. با ترجمه شیرین (اسلامی‌ندوشن) بیانی. تهران: موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
- کتاب مقدس (بی‌تا). رساله استر.
- کتاب مقدس (بی‌تا). رساله اشعیا.
- کتاب تورات (بی‌تا). برشیت (سفر پیدایش)، در تنخ (مجموعه کتاب‌های مقدس یهودیان).
- حسینی، سیدساعد. (۱۳۹۰). تاریخ کامل ایلام (تاریخ کامل ایران دوره ایلامی): پادشاهی بزرگ ایشان - شوش. تهران: کیهان.
- سرمد، زهره، عباس بازرگان‌هرندی، حجازی، الهه. (۱۳۹۸). روش‌های تحقیق در علوم رفتاری. چاپ سی و دوم. تهران: آگاه.
- صراف، محمدرحیم. (۱۳۹۷). نقوش برجسته ایلامی. چاپ ششم. تهران: سمت.
- صراف، محمدرحیم. (۱۳۹۳). مذهب قوم ایلام (۲۶۰۰ - ۵۰۰۰ سال پیش). چاپ چهارم. تهران: سمت.
- قاسمی، حمید و همکاران. (۱۴۰۰). مرجع پژوهش. ویرایش نوزدهم. تهران: اندیشه آرا.

- چغازنبیل. (بی تا). دستیابی در ۱۱، ۲۷، ۱۴۰۱:
- <https://iranatlas.info/choghazanbil/choghazanbil.htm>
- Alizadeh, A. (2010). The Rise of the Highland Elamite State in Southwestern Iran: "Enclosed" or Enclosing Nomadism? *Current Anthropology*, 51(3), 353-383. Retrieved from <http://www.jstor.org/stable/10.1086/652437>
- Alizadeh, S., & Jabari, F. (2017). Motifs of Woman, which Emphasise on the Fertility Goddesses in Elam Civilization (2700-640 BC). *Journal of History Culture and Art Research*, 6(3), 1176-1189. doi:10.7596/taksad.v6i3.987
- Alvarez-Mon, J. (2001). New Frontiers in Iranian Archaeology: Digital Technology and Cultural Heritage. *Isimu: Revista sobre Oriente Próximo y Egipto en la antigüedad*, 59-74. Retrieved from <https://dialnet.unirioja.es/servlet/articulo?codigo=3016400>
- Álvarez-Mon, J., Basello, G. P., & Wicks, Y. (Eds.). (2018). *THE ELAMITE WORLD*. New York: Routledge.
- Basello, G. P. (2019). In Iran before the Persians: A journey to ancient Elam. "L'Orientale" University, Naples, Italy: University of Naples.
- Chogha Zanbil ziggurat. (n.d) iranatlas: <https://www.iranatlas.info/en/choghazanbil/choghazanbil.htm>
- Edwards, I. E., Hammond, N. G., & Sollberger, E. (Eds.). (2007). *The Cambridge Ancient History* (3rd Edition: Ninth printing 2007 ed., Vols. 2: Part 2. The Middle East and the Aegean Region, c.1380-1000 BC). Cambridge, UK: Cambridge University Press. Retrieved from www.cambridge.org/9780521086912
- Farazmand, A. (2002). Administrative Legacies of the Persian World-State Empire: Implications for Modern Public Administration, Part 1. *Public Administration Quarterly*, 26(3-4), 280-316. Retrieved from: <http://www.jstor.org/stable/41288175>
- کابلی، یدالله، رضاییان، فرزین. (۱۳۹۱). هفت رخ فرخ ایران. چاپ پنجم. تهران: طلوع ابتکارات تصویری.
- کمرن، جورج گلن. (۱۳۸۱). ایران در سپیده دم تاریخ. چاپ چهارم. با ترجمه حسن انوشه. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- هیئتس، والتر. (۱۳۸۹). دنیای گمشده عیلام. چاپ چهارم. تدوین توسط منصوره کاویانی. با ترجمه فیروز فیروزنیا. تهران: علمی و فرهنگی.
- یامایوچی، ادوین ام. (۱۳۹۳). ایران و ادیان باستانی. چاپ دوم. تدوین توسط شهاب شاکری. با ترجمه منوچهر پزشکی. تهران: ققنوس.
- بهرامی، روح‌الله. (۱۴۰۰). "خاطرات طلایی ادوار کهن سرزمین هلامتو «جستاری در باب عصر باستانی عیلام»". دومین همایش ملی ایران‌شناسی. تهران: بنیاد ایران‌شناسی. ۱۱۳-۱۵۶.
- بریمانی، فرامرز، شعاع برآبادی، علی. (۱۳۸۸). "بافت قدیم شهرها جلوه‌ی فرهنگ مادی و معنوی شهرهای اسلامی مورد: بافت قدیم شهر خواف". جغرافیا و توسعه ۷ (۱۵): ۸۹-۱۱۲.
- جعفری، علی، جعفری، فرشید. (۱۳۹۰). "نگاهی گذرا به وضعیت ایلام در دوره ساسانی". پژوهش در تاریخ ۲ (۳): ۱۵۲-۱۲۵.
- خسروی، لیلا، رفیع‌فر، جلال‌الدین. (۱۳۹۲). "ظروف مجسمه‌ای جانورسان کلماکره". انسان شناسی ۱۱ (۱۹): ۸۴-۴۳.
- خلیلیان، علی محمد. (۱۳۷۹). "ایلام در گستره تاریخ". فرهنگ ایلام (۳ و ۴): ۶۲-۶۷.
- کوهستانی، حسین، قاسم‌نژاد، مریم. (۱۳۹۶). "پژوهشی در اسناد اکدی شوش با تأکید بر قوانین اجتماعی تمدن ایلام". جستارهای باستان‌شناسی ایران پیش از اسلام ۲ (۱): ۱۵-۲۳.
- چغازنبیل. (۲۰۰۳). UNESCO, 40. PDF.Tarikhema.ir.

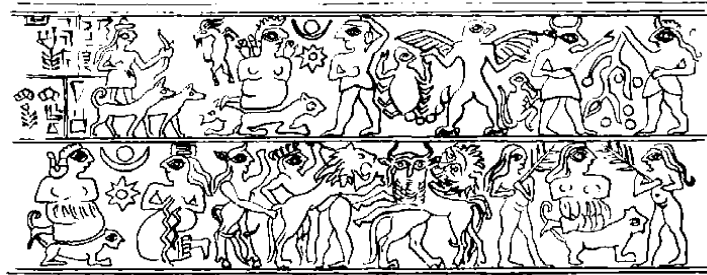
- Fazeli, M. T., & Masih Rad, M. R. (2015). A Review and Analysis of Religious, Political and Social Structure of Elam. *WALIA*, 31(S1), 133-140.
- Frye, R. N. (1993). *The Heritage of Persia*. Irvine, California: Mazda Publishers.
- Hansen, D. (1970). A Proto-Elamite Silver Figurine in the Metropolitan Museum of Art. *Metropolitan Museum Journal*, 3, 5-26
- Hansman, J. (1972). Elamites, Achaemenians and Anshan. *Iran*, 10, 101-125. Retrieved from <http://www.jstor.org/stable/4300468>
- Harper, P. O., Aruz, J., & Tallon, F. (Eds.). (1992). *The Royal City of Susa: Ancient Near Eastern Treasures in the Louvre*. New York: Metropolitan Museum of Art.
- Hinz, W. (1972). *The Lost World Of Elam: Re-creation of a Vanished Civilization*. London: Sidgwick and Jackson Limited.
- Kent, R. G. (2013). *Old Persian: Grammar, Texts, Lexicon* (American Oriental): 33 (American Oriental Series ed.). United States: American Oriental Society.
- Kohansal Vajargah, H. (2020). The Function of Non- Iranian Languages in the Persian Achaemenid Empire. *Palarch's Journal of Archaeology of Egypt/Egyptology*, 17(12), 1862-1869.
- Labat, R. (1975). ELAM c 1600-1200 B.C. In I. Edwards, C. Gadd, N. Hammond, & E. Sollberger (Eds.), *The Cambridge Ancient History: Volume 2, Part 2: The Middle East and the Aegean Region, c.1380-1000 BC* (3rd ed., pp. 379-416). London: Cambridge University Press.
- Moorey, P. R. (2005). Material Aspects of Achaemenid Polychrome Decoration and Jewellery. *Iranica Antiqua*, 33(1), 155-172. doi:10.2143/IA.33.1.519203
- Potts, D. T. (2015). *The Archaeology of Elam: Formation and Transformation of an Ancient Iranian State* (2nd ed.). New York: Cambridge University Press.
- Roach, K. J. (2008). *The Elamite Cylinder Seal Corpus, c.3500 - 1000 BC* (Thesis for PhD, Faculty of Arts, Department of Archaeology, ed.), Sydney: The University of Sydney. Retrieved from <https://ses.library.usyd.edu.au/handle/2123/5352>
- Rostami, M., & Mansourabadi, M. (2020). String Instruments Depicted in the Paintings of Ancient Elam. *The International Journal of Humanities*, 27(2), 29-42.
- Sassoon, J. (2005). *Ancient Laws and Modern Problems: The Balance between Justice and a Legal System*. Bristol, United Kingdom: Intellect Ltd.
- Shahmiri, C. (2004). *The Elamite Empire*. Retrieved 15, 2023, from Historical Site of Mirhadi Hoseini: http://www.allempires.com/article/index.php?q=The_Elamite_Empire
- Stierlin, H. (2006). *Splendors of Ancient Persia*. Vercelli, Italy: White Star.
- The Metropolitan Museum of Art. (2000, October). *Iran, 2000-1000 B.C.* Retrieved 01 20, 2023, from Heilbrunn Timeline of Art History: <https://www.metmuseum.org/toah/ht/03/wai.html>
- Vacín, L. (2017). A Sumerian and an Elamite Fragment of Cuneiform Royal Inscriptions. *TÉMA*, 19. Retrieved from <https://uni.uhk.cz/zivaarcheologie/index.php/ziva/article/view/34>
- Chogha Zanbil ziggurat (June 1, 2023). Online: <https://www.iranatlas.info/en/choghazanbil/choghazanbil.htm>

ردیف	مراحل	توضیح
۱	انتخاب عنوان و طرح پژوهش	تمرکز روی یک مسئله و قلمروی آن در حوزه تاریخ و نوشتن طرح پژوهش برای آن
۲	نمونه‌گیری	نمونه‌گیری از موارد بر اساس طرح پژوهش
۳	جمع‌آوری داده‌ها	استفاده از انواع روش‌ها به‌ویژه روش‌های اسنادی برای جمع‌آوری داده‌ها
۴	تحلیل داده‌ها	غربالگری نهایی اسناد و داده‌های جمع‌آوری‌شده و توصیف و تبیین آنها
۵	بحث و نتیجه‌گیری	ارائه نظریه و تحلیل نهایی همراه با نتیجه‌گیری کلی و پیشنهادهای احتمالی برای آن

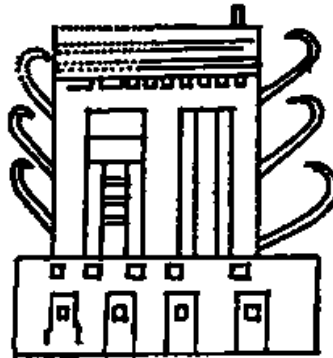
Code System 361138

- 100057 لایه اول مفهومی: بستر وقوع
- 75171 لایه دوم مفهومی: تحلیل موضوعی
- 82592 لایه سوم مفهومی: تفسیر ساختاری
- 59536 لایه چهارم مفهومی: گسترش مفهومی
- 43782 لایه پنجم مفهومی: یافته‌های عمیق

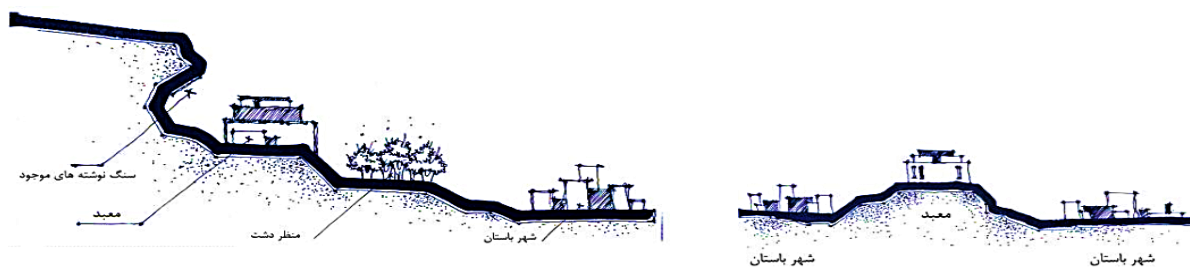
شکل ۱. تطبیق مراحل اجرای پژوهش تاریخی (قاسمی و همکاران، ۱۴۰۰، ۵۲۸) با لایه‌های بکارگیری و تعداد برچسب (تگ)‌گذاری منابع کتابخانه‌ای در آنها (منبع: خروجی نرم‌افزار MAXQDA توسط نگارندگان).



شکل ۲. اثر مهر با نقش مجمع خدایان. شوش. حدود ۲۴۰۰ ق.م (Harper et al., 1992, 6).



شکل ۳. معبد در عیلام باستان (Hinz, 1972, 56). به صورت ساختمان‌هایی مربع نسبتاً مرتفع بر، روی یک شالوده پلکانی، با آجرکاری روی نما، که ظاهراً با طاقچه‌هایی تزئین شده است. (احتمالاً) در پشت آن، پلکان دسترسی جانبی به معبد بوده باشد. در خود معبد دو قاب ورودی بلند می‌بینیم، که در واقع فقط یکی از آنها در سمت چپ به عنوان ورودی، (با یک پرده نی تا حدی از آن در برابر خورشید محافظت می‌کرده) بوده است. در حالی که درب سمت راست احتمالاً درب کاذب یا نورگیر است. سقف معبد مسطح و از چند ردیف تیر چوبی بوده است. فضای داخلی با یک ردیف پنجره کوچک مربعی بین درها و سقف روشن و تهویه می‌شده است. بارزترین ویژگی معبد عیلامی، سه شاخ بزرگ، غالباً از جنس برنز است که از دیوار در دو طرف بیرون زده است. این شاخ‌ها بخش مهمی از هر معبد را تشکیل می‌دادند، زیرا نمادی از الوهیت بودند.



شکل ۴. موقعیت قرارگیری شهر و ارتباط X با منظر در دوره ایلامی (امیرخانی و همکاران، ۱۳۸۷، ۵۱).



شکل ۵. بیعت بستن و تسلیم سرباز عیلامی پیش پادشاه جدید، با شمشیر خاص عیلامی خود، دیوار نگاره اتاق ۳۳، کاخ جنوب غربی، نینوا (Álvarez-Mon et al., 2018, 346).

جدول ۱. پیشینه‌شناسی جریان‌های مطالعاتی درباره عیلام (منبع: نگارندگان).

محتوایی - روشی	مفاهیم اصلی					حوزه مسائل		رویکرد
	گزارش	پژوهشی	تاریخی	هنری	اجتماعی	واژگان کلیدی	تعاریف، مفاهیم، نظریات و مکاتب	
بیشتر این تحقیقات، از نوع مطالعات «تاریخ نگارانه» بوده است، حال آنکه پژوهش جاری به دنبال «پژوهشی تاریخی» از نوع کلان پژوهی کیفی، به شیوه کنکاش منظمی در «اسناد، مدارک و دیگر منابع» ای که دارای حقایقی مرتبط با سؤال پژوهش درباره عیلام باشند، شکل گرفته است.	■ □	■	■	□ ■	■	تمدن‌شناسی	الف	تمدن‌شناسی (چیستی)
	■	□ ■	■	■	■	جغرافیای سکونت گاهی	ب	زیربای‌شناسی (فلسفی، کاربردی)
	■	□	■	■	□	ارتباط محیط با فضا و کالبد	ج	روش (فرایند و ابزار) شناسی (چرایی)
	■ □	■	■	■ □	□ ■	شکل‌گیری وجوه تمدنی	د	هدف (غایت و محصول) شناسی
	■	■	■ □	■	■	نگاه بین‌رشته‌ای	ه	کاربردشناسی (زمینه، تهدید و فرصت)
	■	□	■	■	□	رشد، توسعه و ارتباطات تمدنی	و	الزام مصداقی، نظری یا فلسفی
	■	■	□	■	■	تبیین چندوجهی	ز	

□: نبود، کمبود و ضعف؛ ■: وجود کم‌فروغ و معمولی؛ □■: وجود موردی فقط در برخی جوانب؛ ■■: وجود مؤثر و مناسب و جهت‌دهنده

راهنما

د) (Edwards, Hammond and Sollberger 2007); (یامایوچی

(۱۳۹۳

ه) (Roach 2008); (Vacín 2017)

ز) (Álvarez-Mon, Basello and Wicks 2018); (کوهستانی و

قاسم نژاد ۱۳۹۶)

الف) (A. Alizadeh 2010); (حسینی ۱۳۹۰)

ب) (Alvarez-Mon 2001); (کمرن ۱۳۸۱)

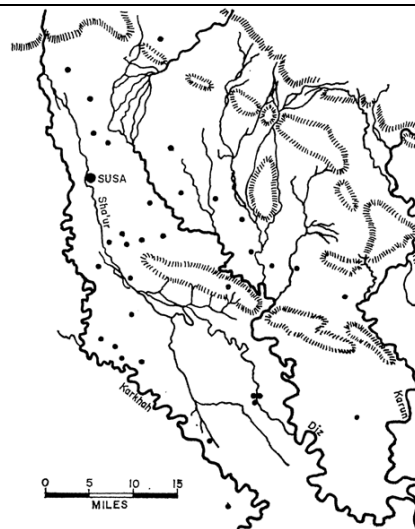
ج) (Basello 2019); (کابلی و رضاییان ۱۳۹۱)

منابع

جدول ۲. خط زمان تطبیقی دوران تاریخی تمدن عیلام با تحولات جهانی (منبع: نگارندگان).

هنر و تمدن مرتبط به دوران عیلامی‌ها		هنر و تمدن ایران باستان	پیدایش هنر و تمدن
<p>قبل از ۱۷۵۰ میلاد</p> <p>عصر برنز میانه، حدود ۱۵۰۰-۲۰۰۰ قبل از میلاد</p> <p>دوره ایلامی قدیم، حدود ۱۵۰۰-۲۷۰۰ قبل از میلاد</p>	<p>دوران اسلامی</p> <p>ح ۶۵۱ م</p> <p>ساسانیان</p> <p>ح ۲۲۶ م</p> <p>اشکانیان</p> <p>ح ۳۳۰ ق. م</p> <p>هخامنشیان</p> <p>ح ۵۵۰ ق. م</p> <p>دوره مهاجرت آریایی‌ها و مادها</p> <p>ح ۲۰۰۰ ق. م</p> <p>دوره مس و سنگ جدید تمدن ایلام</p> <p>دشت لوت مرکز ایران</p> <p>ح ۴۰۰۰ ق. م</p> <p>دوران مس و سنگ قدیم و استقرار در تپه‌های باستانی</p>	<p>ح ۶۰۰۰ ق. م</p> <p>عصر آهن</p> <p>ح ۱۰۰۰۰ ق. م</p> <p>عصر مفرغ</p> <p>نوسنگی اروپا</p> <p>ح ۲۰۰۰ ق. م</p> <p>عصر مس و سنگ نو</p> <p>نوسنگی اروپا</p> <p>ح ۴۰۰۰ ق. م</p> <p>عصر مس و سنگ قدیم</p> <p>ح ۶۰۰۰ ق. م</p> <p>دوران نوسنگی</p> <p>ح ۸۰۰۰ ق. م</p> <p>دوران میان‌سنگی</p> <p>ح ۱۰۰۰۰ ق. م</p> <p>دوران پارینه‌سنگی</p>	
<p>قبل از ۱۵۰۰ میلاد</p> <p>عصر برنز میانه، حدود ۱۵۰۰-۲۰۰۰ قبل از میلاد</p> <p>دوره ایلامی قدیم، حدود ۱۵۰۰-۲۷۰۰ قبل از میلاد</p>	<p>ح ۳۳۰ ق. م</p> <p>هخامنشیان</p> <p>ح ۵۵۰ ق. م</p> <p>دوره مهاجرت آریایی‌ها و مادها</p> <p>ح ۲۰۰۰ ق. م</p> <p>دوره مس و سنگ جدید تمدن ایلام</p> <p>دشت لوت مرکز ایران</p> <p>ح ۴۰۰۰ ق. م</p> <p>دوران مس و سنگ قدیم و استقرار در تپه‌های باستانی</p>	<p>ح ۲۰۰۰ ق. م</p> <p>عصر مس و سنگ نو</p> <p>نوسنگی اروپا</p> <p>ح ۴۰۰۰ ق. م</p> <p>عصر مس و سنگ قدیم</p> <p>ح ۶۰۰۰ ق. م</p> <p>دوران نوسنگی</p> <p>ح ۸۰۰۰ ق. م</p> <p>دوران میان‌سنگی</p> <p>ح ۱۰۰۰۰ ق. م</p> <p>دوران پارینه‌سنگی</p>	
<p>قبل از ۱۲۵۰ میلاد</p> <p>عصر آهن</p> <p>حدود ۱۲۵۰-۱۴۵۰ قبل از میلاد، عصر آهن</p> <p>دوره عیلام میانه، حدود ۱۰۰۰-۱۵۰۰ قبل از میلاد</p>	<p>ح ۳۳۰ ق. م</p> <p>هخامنشیان</p> <p>ح ۵۵۰ ق. م</p> <p>دوره مهاجرت آریایی‌ها و مادها</p> <p>ح ۲۰۰۰ ق. م</p> <p>دوره مس و سنگ جدید تمدن ایلام</p> <p>دشت لوت مرکز ایران</p> <p>ح ۴۰۰۰ ق. م</p> <p>دوران مس و سنگ قدیم و استقرار در تپه‌های باستانی</p>	<p>ح ۲۰۰۰ ق. م</p> <p>عصر مس و سنگ نو</p> <p>نوسنگی اروپا</p> <p>ح ۴۰۰۰ ق. م</p> <p>عصر مس و سنگ قدیم</p> <p>ح ۶۰۰۰ ق. م</p> <p>دوران نوسنگی</p> <p>ح ۸۰۰۰ ق. م</p> <p>دوران میان‌سنگی</p> <p>ح ۱۰۰۰۰ ق. م</p> <p>دوران پارینه‌سنگی</p>	
<p>سال قبل از ۱۰۰۰ میلاد</p> <p>حدود ۸۰۰-۱۲۵۰ قبل از میلاد، عصر آهن</p> <p>دوره عیلام میانه، حدود ۱۰۰۰-۱۵۰۰ قبل از میلاد</p>	<p>ح ۳۳۰ ق. م</p> <p>هخامنشیان</p> <p>ح ۵۵۰ ق. م</p> <p>دوره مهاجرت آریایی‌ها و مادها</p> <p>ح ۲۰۰۰ ق. م</p> <p>دوره مس و سنگ جدید تمدن ایلام</p> <p>دشت لوت مرکز ایران</p> <p>ح ۴۰۰۰ ق. م</p> <p>دوران مس و سنگ قدیم و استقرار در تپه‌های باستانی</p>	<p>ح ۲۰۰۰ ق. م</p> <p>عصر مس و سنگ نو</p> <p>نوسنگی اروپا</p> <p>ح ۴۰۰۰ ق. م</p> <p>عصر مس و سنگ قدیم</p> <p>ح ۶۰۰۰ ق. م</p> <p>دوران نوسنگی</p> <p>ح ۸۰۰۰ ق. م</p> <p>دوران میان‌سنگی</p> <p>ح ۱۰۰۰۰ ق. م</p> <p>دوران پارینه‌سنگی</p>	
<p>قبل از ۷۵۰ میلاد</p> <p>عصر آهن</p> <p>حدود ۸۰۰-۱۲۵۰ قبل از میلاد، عصر آهن</p> <p>دوره نو عیلام، حدود ۵۳۹-۱۰۰۰ قبل از میلاد</p>	<p>ح ۳۳۰ ق. م</p> <p>هخامنشیان</p> <p>ح ۵۵۰ ق. م</p> <p>دوره مهاجرت آریایی‌ها و مادها</p> <p>ح ۲۰۰۰ ق. م</p> <p>دوره مس و سنگ جدید تمدن ایلام</p> <p>دشت لوت مرکز ایران</p> <p>ح ۴۰۰۰ ق. م</p> <p>دوران مس و سنگ قدیم و استقرار در تپه‌های باستانی</p>	<p>ح ۲۰۰۰ ق. م</p> <p>عصر مس و سنگ نو</p> <p>نوسنگی اروپا</p> <p>ح ۴۰۰۰ ق. م</p> <p>عصر مس و سنگ قدیم</p> <p>ح ۶۰۰۰ ق. م</p> <p>دوران نوسنگی</p> <p>ح ۸۰۰۰ ق. م</p> <p>دوران میان‌سنگی</p> <p>ح ۱۰۰۰۰ ق. م</p> <p>دوران پارینه‌سنگی</p>	
<p>قبل از ۵۰۰ میلاد</p> <p>عصر آهن</p> <p>حدود ۵۵۰-۸۰۰ قبل از میلاد، عصر آهن</p> <p>دوره نو عیلام، حدود ۵۳۹-۱۰۰۰ قبل از میلاد</p> <p>دوره هخامنشیان (فارسی)، حدود ۳۳۰-۵۵۹ قبل از میلاد</p>	<p>ح ۳۳۰ ق. م</p> <p>هخامنشیان</p> <p>ح ۵۵۰ ق. م</p> <p>دوره مهاجرت آریایی‌ها و مادها</p> <p>ح ۲۰۰۰ ق. م</p> <p>دوره مس و سنگ جدید تمدن ایلام</p> <p>دشت لوت مرکز ایران</p> <p>ح ۴۰۰۰ ق. م</p> <p>دوران مس و سنگ قدیم و استقرار در تپه‌های باستانی</p>	<p>ح ۲۰۰۰ ق. م</p> <p>عصر مس و سنگ نو</p> <p>نوسنگی اروپا</p> <p>ح ۴۰۰۰ ق. م</p> <p>عصر مس و سنگ قدیم</p> <p>ح ۶۰۰۰ ق. م</p> <p>دوران نوسنگی</p> <p>ح ۸۰۰۰ ق. م</p> <p>دوران میان‌سنگی</p> <p>ح ۱۰۰۰۰ ق. م</p> <p>دوران پارینه‌سنگی</p>	

استقرارگاه‌های تمدن عیلام باستان (Hinz, 1972,) (p. 19)



(The Metropolitan Museum of Art, 2000; Shahmiri, 2004)

منابع

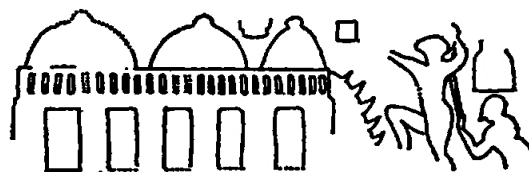
گاهشماري اوليه:	گاهشماري ثانويه (۲۰۰۰-۱۰۰۰ ق.م):
ایران ۸۰۰۰-۲۰۰۰ ق.م	آناتولی و قفقاز، شبه جزیره عربستان،
ایران، ۱۰۰۰ ق.م - ۶۳۹ ق.م	آسیای مرکزی - شمالی، مدیترانه
ایران، ۶۳۹ ق.م - ۵۵۹ ق.م	شرقی - سوریه، بین‌النهرین

جدول ۳. فعالیت‌های اقتصادی در تمدن عیلام (Hinze, 1972).

		
<p>در شهر، همه چیز جاری و فعال است. در کارگاه سفال، ظروف سنگی نیز تولید می‌شود. در حالی که یک مرد دسته یک کوزه را صیقل می‌دهد، سایر صنعتگران با کشیدن آنها به هم صفحات را صاف می‌کنند</p>	<p>یک عیلامی قایقش را به دسته‌ای در ساحل می‌بندد. ناخدای قایق قبلاً پیاده و در جلوی ستون، در حال حمل ۲ ماهی بزرگ و دستیارش سبدی از ماهی کوچک‌تر روی سرش حمل می‌کند.</p>	<p>ماهی گیران برهنه لاکپشت‌های غول‌پیکر را (از رود) به سمت زمین می‌کشانند</p>
		
<p>گاوها در حال چرا و کوزه‌های شیر در نزدیکی گاوها آماده هستند</p>	<p>مردان در مزارع با استفاده از بیل‌های ۳ شاخه، و داس‌هایی از خشت بسیار سخت پخته و تبرهای سنگی زمین را برای کاشت آماده می‌کنند.</p>	<p>چوپان بزها را به طویله با ورودی احاطه شده با طاقی بزرگ و آجرهای خام (احتمالاً متعلق به یک کاخ یا معبد) می‌برد.</p>
		
<p>گاوا آهن، تبر و داس، ابزار اصلی اولین دهقانان عیلامی</p>	<p>کارگاه زنانه تولید پشم: زنان روی زمین هموار یا چهارپایه کم ارتفاع نشسته‌اند</p>	<p>زنان کشاورز با لباس‌های گشاد و در مزرعه خرما</p>

جدول ۴. اقتصاد حکومت درباری در تمدن عیلامی (Hinz, 1972).


نمای بیرونی سیلوهای خشت گلی با مجموعه‌ای طولیل از گنبدها بر روی آنها، دارای طاقچه‌ها و ردیفی از سوراخ‌های تهویه باریک کشیده شده بین آنها و سقف صاف، و کارگرانی با گونی یا کوزه بر سر یا شانه که با نردبان یا پله‌هایی که در کنار آن ساخته شده به گنبد می‌رسند.

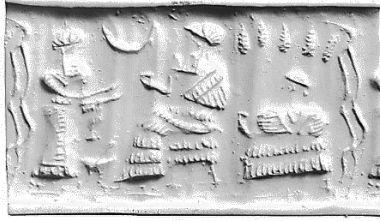


پایه پلکانی انباره‌ها را از سطح زمین بالاتر برده، و کاتبانی در نزدیکی انبار، چمباتمه زده تا هنگام تحویل مواد غذایی، اطلاعات آن را روی لوح‌های سفالی ثبت کنند (سمت راست). مهمانداران، برای پرکردن پیمان‌های شراب خود یا چوب پنبه کردن کوزه‌های خود همان موقعیت را اتخاذ می‌کنند (سمت چپ).



جدول ۵. تنوع در شیوه، ماده سازنده و سبک آفرینش آثار هنری دوره‌های مختلف تمدن عیلامی (گردآوری: نگارندگان).

			
<p>استاندارد با شکل نر و بزهای کناری که توسط سگ‌ها مورد حمله قرار گرفته‌اند/ دوره: عیلامی میانه، تاریخ: حدود ۱۱۰۰-۱۵۰۰ ق.م/ جغرافیا: جنوب غربی ایران، فرهنگ: عیلامی، ماده سازنده: برنز</p>	<p>مجسمه زن عیلامی</p>	<p>سر تبر مفرغی، لرستان، سده ۱۰ تا ۷ ق. م. بلندی ۲۰,۵ CM</p>	<p>مجسمه شاهزاده ناپیرآسو، عیلام، ۱۳۵۰-۱۳۰۰ ق.م. مفرغ و مس، موزه لوور پاریس - طرح بازسازی شده از (کابلی و رضاییان، ۱۳۹۱)</p>



مهر استوانه ای: عبادت کننده در برابر حاکم یا خدایی نشسته
زیر درخت انگور/دوره: عیلامی قدیم، تاریخ: حدود اوایل هزاره
دوم ق.م، جغرافیا: ایران، فرهنگ: عیلامی، ماده سازنده:
سرپانتین

کلاه محافظ با چهره‌های الهی
در زیر پرندۀ ای با بال‌های
دراز/ دوره: عیلامی میانه،
تاریخ: حدود ۱۵۰۰-۱۱۰۰ ق.م،
جغرافیا: جنوب غربی
ایران، فرهنگ: عیلامی / مواد
سازنده: برنز، ورق طلا روی
قیر

راندل با سر یک "فهرمان" که
توسط کاپریدها احاطه شده
است/ دوره: عیلامی میانه،
تاریخ: حدود قرن ۱۴-۱۳ ق.م،
جغرافیا: جنوب غربی
ایران، فرهنگ: عیلامی مواد
تشکیل دهنده: قیر، ورق طلا
و نقره

Source: (The Metropolitan Museum of Art 2000);
(Hinz 1972)؛ (Rostami and Mansourabadi 2020)



چنگ ایستاده
چنگ خوابیده
چنگ ایستاده
چنگ خوابیده
آواز خوان



سر دسته
دسته
مضراب
کاسه وزه گیر



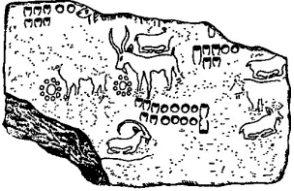

نوازنده مرد، مجسمه خشتی
پخته شده، مکشوفه از شوش،
موزه لوور (تصویر بالا)
نوازندگان زن عیلامی (دو
تصویر چپ)، دیوار نگاره اتاق
۳۳، کاخ جنوب غربی، نینوا
(Álvarez-Mon, Basello
and Wicks 2018, 346)

نمونه سفال عیلامی
شوش - موزه لوور

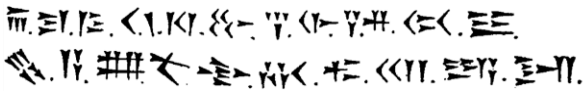
جدول ۶. میراث داری هنر هخامنشی از هنر - صنعت عیلامی (گردآوری: نگارندگان).

		
<p>ظرف آیینی با پیکره زن- ماهی، جوبجی، رامهرمز، دوره عیلام نو (۵۸۵-۵۳۹ ق.م) (ابراهیمی پور فرسنگی و نادعلیان، ۱۳۹۱، ۹۲).</p>	<p>مجسمه نقره دارای روکش طلا: یک قهرمان به حالت ایستاده، در حال مبارزه با یک گاو بالدار با صورت انسانی (خسروی و رفیع فر، ۱۳۹۲).</p>	
		
<p>سمت راست: ظروف لعابداری و مجسمه از شوش / سمت چپ: جوهر دان مکشوفه از شوش (Álvarez-Mon et al., 2018, 262).</p>	<p>مجسمه های انسان نما از شوش، هزاره دوم پیش از میلاد، به عنوان نمونه ای از ریخته گری در تکنیک منسوخ شده کار با موم (Álvarez-Mon et al., 2018, 131).</p>	

جدول ۷. سیر تحول مهمترین مراحل تکوین خط در تمدن عیلامی (گردآوری: نگارندگان).

	<p>لوح گلی پیشاعیلامی، برای شمارش اسب های نر (یال های مودار)، ماده (یال آویزان)، کره اسب (بدون یال) و (احتمالاً) علائمی که نشان دهنده گیرنده یا صاحب حیوان است (سمت راست). پشت آن (سمت چپ): در مرکز پایین نشان داده شده است: ابتدا در سمت راست علامت «صد»، در سمت چپ آن هشت علامت «ده»، و در سمت چپ، پنج علامت «یک» که در مجموع نشان دهنده عدد ۱۸۵ است (Hinz 1972, 29-30)</p>	
<p>خط نشانه ای عیلامی مقدم</p>	<p>خط نشانه ای اقوام و تمدن پیش از تاریخ و پیشاعیلامی در نواحی شرقی ایران در تمدن</p>	<p>جیرفت</p>

لوح گلی	کتیبه شش کلمه‌ای پیشاعیلامی	کتیبه سنگی عیلامی	کتیبه آجری پیشاعیلامی
			
طرح گل نبشته	بر لبه یک خمره بدین مفهوم: «شست کا آب باران شیرین» هزاره سوم قبل از میلاد		از محوطه باستانی تمدن جیرفت هزاره پنجم قبل از میلاد
کتیبه سنگی عیلامی			کتیبه خشتی عیلامی
		۵ ستونی به خط عیلامی که ترجمه یک کتیبه سنگی بابلی بوده است: به خدای اینشوشیناک، پروردگارش، XY شوشیناک: والی شوش، نایب‌السلطنه سرزمین عیلام، پسر شیمیشوک، صفحه‌ای از برنز و چوب سدر را وقف کرد	 دودمان نامه (نام ۲۴ پادشاه) از سلسله‌های پیشاعیلامی (اوان و سیماشکی) - موزه لوور فرانسه ۱۸۰۰ تا ۱۶۰۰ ق.م
	قدیمی‌ترین لوح عیلامی موجود (حدود قرن ۲۳ قبل از میلاد)، از شوش، ایران اثر مهر استوانه‌ای داریوش	لوح نوشتاری سفالین دیواری سفال لعابدار، چغازنبیل به نام فرمانروا اونتاش، نایب‌رشا. سده ۱۴ ق.م (تصویر سمت چپ)	
			
تقدیم هدیه توسط کوتیک- اینشوشیناک به خدای بزرگ عیلام	به سه خط میخی عیلامی، بابلی و پارسی	مجموعه کتیبه‌های یادبود سفارش داده شده توسط پادشاه عیلامی	

	شوتروک-ناحونته اول (۱۱۹۰-۱۱۵۵ ق.م.) - موزه لوور
	کپی ساموئل فلاور از یک کتیبه عیلامی هخامنشی (تصویر سمت چپ)
منابع (Vacín 2017); (Hinz 1972); (Basello 2019); (Potts 2015)	

جدول ۸. جایگاه ویژه خط در سازماندهی به ساختار حاکمیتی عیلامی ها (Hinz, 1972).

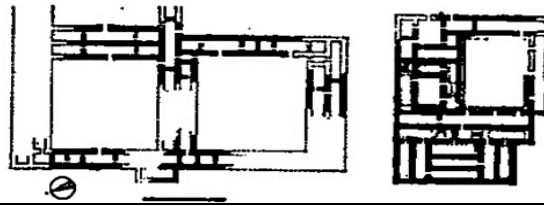


کوک سیموت (Kuk-Simut)، سومین شخص از چپ، وزیر (الهه) ی در لباس پوشیده است. او لوحی را ساخته و خطاب به «توروکوزو (Turukuzu)» رئیس مدرسه عیلامی نوشته است: چرا دانش نویسان دانش آموز (pupil scribes) (آوانوشت از عیلامی puhu-teppi) را عذاب می‌دهید؟ دستورات من این است که آنها را آزار ندهید

جدول ۹. تصاویر کشفیات از مجموعه چغازنبیل (چغازنبیل، ۲۰۰۳).

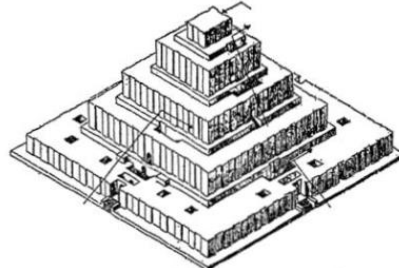
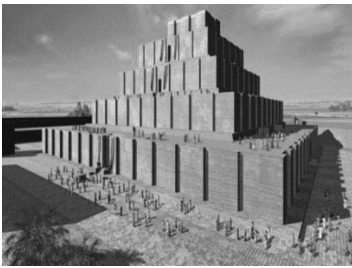
		
پلکان شمال غرب و پایه‌های مجسمه‌ها	قطعه‌ای از آجر لعابدار  قطعه‌ای از کتیبه آجری	طاق عیلامی پلکان جنوب غربی

جدول ۱۰. ترکیب کاربری مذهبی با مسکونی در چغازنبیل (Hinze, 1972, 119).



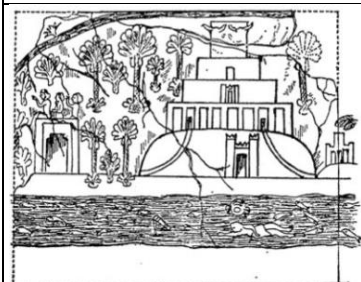
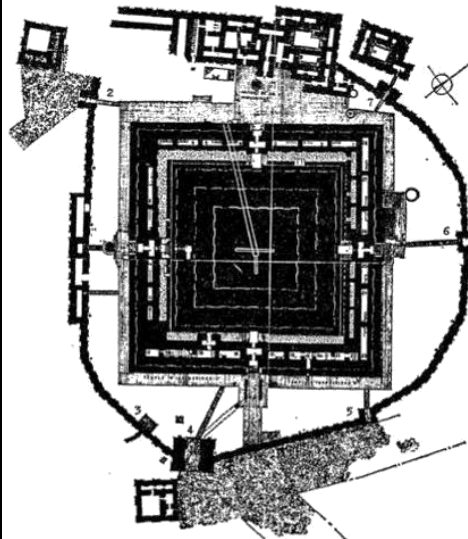
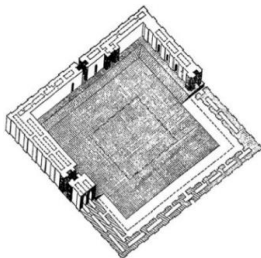
بقایای کاخ‌ها بین دیوارهای میانی و بیرونی چغازنبیل
سمت چپ: به طول ۱۱۶ متر و عرض ۵۸ متر، احتمالاً
حرمسرای اونتاش ناپیریشا یا مکان زندگی ملکه Napir-
asu
سمت راست: احتمالاً محل زندگی پادشاه

جدول ۱۱. منظر و کالبد کلی مجموعه چغازنبیل و شهر شوش (گردآوری: نگارندگان).



چشم اندازی بازسازی شده از شهر
شوش

شوش، هزاره چهارم ق.م

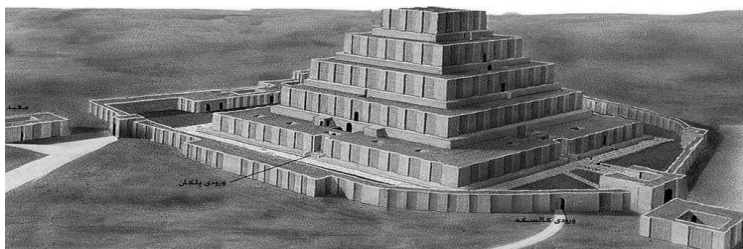


نقش برجسته از نینوا، که از قطعاً ت
کنار هم چیده شده تشکیل شده
است. شوش، پایتخت و زیگورات
آن را نشان می‌دهد که توسط دو برج
پیرامونی به نام اولایی (Ulai)

پلان اصلی زیگورات، مربعی به ابعاد ۱۰۵ متر است. بنابراین هر طرف زیگورات
در پایه خود ۲۰۰ ایل عیلامی بوده است. گوشه‌های مربع اصلی بنا دقیقاً به چهار نقطه
قطب نما اشاره دارد. زیگورات با دیواری احاطه شده بود که درونی‌ترین دیوار، پیرامون
«دور اونتاش» بوده و خارجی‌ترین آنها، دیوار حصار بیرونی دارای هفت دروازه ورودی

بوده است. زیگورات در چند مرحله ساخته شده است. مرحله اول (تصویر سمت چپ - وسط)، و سایر مراحل به صورت همزمان (تصویر سمت چپ - پایین)

در طبقه بالا معبد اینشوشیناک (خدای عیلامی و حافظ شهر شوش پایتخت عیلامیان) بوده است



محصور شده است. یک فرد عیلامی و یک کودک که هر دو مرده اند در رودخانه شناور هستند، و بالای رودخانه در سمت چپ، سربازان و نگهبانان شوش با نگرانی از درون باروهای دروازه، بیرون را نگاه می کنند تا ببینند جنگ چگونه پیش می رود (Hinze, 1972, 155).

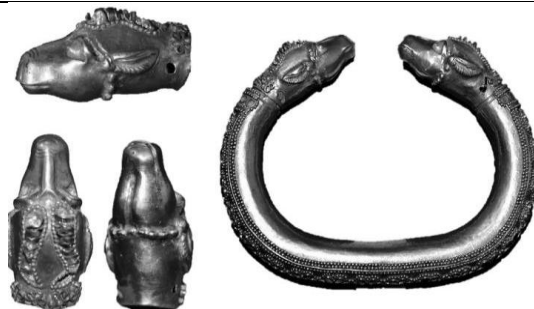
در تمام محوطه چغازنبیل آبراه هایی دیده می شود، که احتمالاً برای زه کشی باران های سیل آسای شوش بوده است. دورتادور بنا سنگفرش بوده و درون محوطه نیز، یک ساعت خورشیدی بزرگ بوده است.

منابع: (چغازنبیل بدون تاریخ؛ کابلی و رضاییان، ۱۳۹۱؛ Hinze, 1972)

جدول ۱۲. شاخص ترین رفتارهای نیایشگری در تمدن عیلام (گردآوری: نگارندگان).

<p>زن نیایشگر عیلامی (آمی، ۱۳۹۶)</p>	<p>مرد نیایشگر عیلامی (Álvarez-Mon et al., 2018, 132).</p>	<p>طراحی از الهه و پرستشگر زانو زده، حک شده روی جام بدست آمده از حاجی آباد مرو دشت فارس، دارای کتیبه آغاز عیلامی (صراف، ۱۳۹۷)</p>

جام سیمین شوش، کتیبه ای به خط عیلامی است و شامل ۴۴ علامت با مضمون زیر: «یاری کن الهه، یاری کن، من کوری ناهی تی هستم. اهداکننده آشامیدنی نذری، برای پروردگار بخشنده پاداش نیک، خیر و





برکت؛ ای الهه مقدس، نازل شو، لطف و
مرحمت الهیت پیوسته باید به برپادارنده معبد
ارزانی شود. یاری کن تو این جام را که از
سوی یک بنده برگزیده مقرب اهدا شده،
برای وی روز به روز مقدس دار» (صراف،
۱۳۹۳، ۴۹؛ Stierlin, 2006, 33).

دستبند سر حیوانات از «مقبره دو شاهزاده عیلامی
(Álvarez-Mon et al., 2018, 138).

جدول ۱۳. برخی از مراسمات و آیین‌های پرستش خدایان در عیلام (گردآوری: نگارندگان).



جزئیات نقش برجسته صخره ای، صاف و بسیار فرسایش یافته از آب و هوا، در
زیارتگاهی تاریخی در کورانگان در آبادی ستولان (بین باشت و نورآباد): دسته ای از
متدینان (در ابتدا احتمالاً تعداد آنها حدود چهل نفر بوده، اما در طول قرن‌ها بسیاری از
بخش‌های صخره فرو ریخته)، کا هنانی که قبلاً در مقابل آن قربانی می‌کردند. در سمت
بلند سکو نقش برجسته‌های دو خدا وجود دارد که با شاخ‌های روی تاج آنها قابل
شناسایی است. یکی خدایی مذکر با ریش بلند - احتمالاً هومبان- و تخت او توسط یک
مار پیچ خورده تشکیل شده است.

مجسمه یکی از خدایان در صفوفی در
شهر روی یک بستر حمل می‌شود. یک
نوازنده در مقابل مجسمه نشسته است.
در کنار مردان پیاده که یکی از آنها کلاه
عجیبی بر سر دارد همراهی می‌کنند

ارائه شده توسط ارنست هرتسفلد، به نقل از (Hinz, 1972, 51)

(Hinz, 1972, 50)



اثر مهر با نقش خدای بر تخت نشسته. شوش (۲۱۰۰-۲۳۵۰ ق.م) (Roach, 2008)

ماکت صحنه‌ی آیینی عیلام میانه از شوش
(Álvarez-Mon et al., 2018, 135)

جدول ۱۴. توجه همزمان به تزئینات، مواد و مصالح متنوع، زیرساخت و منظر به صورت همزمان در ساخت چغازنبیل (Chogha

(Zanbil Ziggurat n.d.



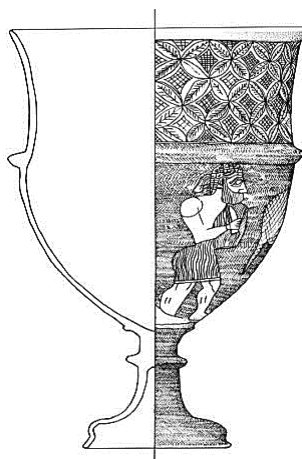
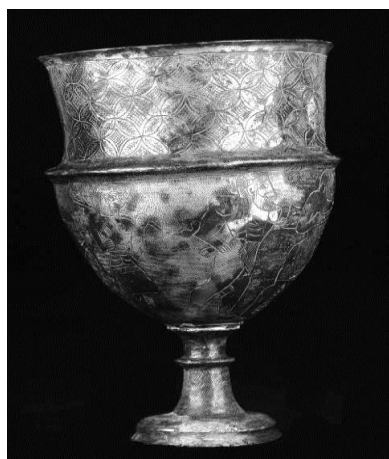
تزئینات شیشه‌ای مکشوفه در یکی از ورودی‌های محوطه درونی چغازنبیل (موزه آبگینه تهران)

ورودی راه آب از کف رودخانه منتهی به زیگورات به صورت شکاف‌های کنترل دبی آب ورودی

منبع تصفیه خانه آب و ته نشینی گل و لای

جدول ۱۵. حکاکی چهره های کادر قضایی عیلامی به عنوان نمادی از قانون مداری جامعه عیلامی بر روی جام (Álvarez-Mon

.et al., 2018, 289-290



جام پایه دار حکاکی شده (سمت چپ)، و طرحی از همان جام نقره با رندر نقش اصلی (وسط و راست) که در قسمت پایینی آن، صحنه‌ای از هیئت قضایی را نشان می‌دهد که در آن شش نفر یک زندانی اسیر را همراهی می‌کنند